بسمه تعالی

محرم: پایان حج نیمه تمام کاروان امام حسین (ع)

نوشته نادر حسن زاده

امام حسین(ع) پیامبر نبود اما محبوبیت پیامبران را در نزد همه پیروان دارد.

محرم، ماه اول سال هجری قمری و آغاز سال نو در کشورهای عربی است. اهل تسنن با نماز و عبادت به پیشواز سال نو می روند و اهل تشیع خود را برای سوگواری آماده می کنند. چرا که تعدادی نادان حرمت چهار ماه حرام (رجب، ذی القعده، ذی الحجه و محرم) را نگه نداشتند و برغم دستور صریح قرآن (آیه ۲۱۷ سوره بقره): ای پیامبر از تو درباره جنگ کردن در ماههای حرام سؤال می‌کنند (يَسْئَلُونَکَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرامِ قِتالٍ فِيهِ). به آنها بگو قتال در ماه حرام گناهی بزرگ است (قُلْ قِتالٌ فِيهِ كَبِيرٌ)، جرم و جنایات را با هم کردند، قتل نکردند جلادی کردند، خون به دل خون شده ما کردند، به نوه و نتیجه پیامبر گرامی خدا رحم نکردند، نسل کشی کردند. به این امید که نوکر دودمان برباد رفته ابوسفیان باشند. تاسوعا و عاشورا محصول این تفکر در سال ۶۱ هجری است. انحراف صد در صد از اسلام در مدت ۵ دهه ناقابل. خدا عمر داد این محرم را هم دیدیم. سعی کنیم محرمی ی واقعی باشیم. حرمت ارزشها را و خط قرمزهای قرآن را پاس بداریم. کار حسینی بلد نیستم کار زینبی کنیم. وسط نمانیم اگر هم ماندیم وسط وسطی باشیم نه وسط روستا.

تاریخ نشر ۱۳۹۵/۷/۱۳. تاریخ نسخه بازبینی بیستم ۱۴۰۳/۶/۳

hasanzadehr@yahoo.com







انّ أکْرَمَ المَوتِ القَتلُ-گرامی ترین مرگ کشته شدن است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳).

مطالب تکمیلی در این ارتباط با زینب (س): مقاله مردم زینب زیارت نامه ندارد. شهریور ماه ۱۳۹۷ در همین سایت.

آدم می ماند از وقوع چنین حادثه دردناک کربلا در نزدیکی مرزهای غربی ایران که آن هنگام زیر سلطه اعراب بود (درس نامه آموزشی).



بشیر

یکی از ثمرات بارز روز بشیر بشارت خبر تولد تا شهادت امام حسین (ع) است.

(درج کامل در مقاله شهدا و صدیقین... ۱۳۹۵ در همین سایت)

به تو روز بشیر روز نذیر است

به من روز بشیر روز خطیر است

شمردم روزها دیدم خطیر است

چرا هر روز ما روز خطیر است؟

به هجر دیدم نبی گفتم خطیر است

ندیدم قبر او گفتم خطیر است (حضرت فاطمه)

علی دیدم غدیر گفتم خطیر است (انتصاب علی در جمع شیوخ تصمیم ساز)

به خط دیدم علی گفتم خطیر است (انتخاب علی با رای مستقیم مردم بعنوان ولی مسلمین و نه خلیفه چهارم)

حسین دیدم حسن گفتم خطیر است (هر دو قربانی فتنه اول اند. اعراب یکبار انتخابات برگزار کردند و آن هم در شورای سقیفه بود. بیعت زوری از حضرت علی و بیعت خونی از امامان حسنین)

عزیز دیدم به اشک گفتم خطیر است (حضرت زینب تا حضرت رقیه و حضرات دیگر)

اخی دیدم به مشک گفتم خطیر است (حضرت ابوالفضل العباس)

نَعَم دیدم نعیم گفتم خطیر است (تمام دنیاپرستان)

لَهَب دیدم لحد گفتم خطیر است (تمام جهنم رفتگان)

به شعر گفتم بشیر دیدم خطیر است

عناد دیدم نفاق گفتم خطیر است (تمام دشمنان باکار و نابکار اسلام)

عباد دیدم عناد گفتم خطیر است (مارقین و قاسطین و ناکثین. سه ضلع زر و زور و تزویر)

چقدر این خط ما خط خطیر است (خط عدالت و حقانیت)

به ما تا دشمن است روز خطیر است (از خودی تا غیرخودی)

روزشمار واقعه عاشورا (ویکی شیعه،۲۰۲۱):

کل داستان کربلا از حرکت کاروان نورانی امام حسین (ع) از سمت مدینه به سوی مکه تا دشت کربلا تا شهد کربلا تا مشهد کربلا تا مشعر کربلا.

معاویه پس از تحمیل صلح به امام حسن (ع) در سال۴۱ هجری، ۱۵ سال بعد دقیقا در سال ۵۶ هجری، یزید را به عنوان ولیعهد و خلیفه بعد از خود معرفی کرد. این کار او با مخالفت رجال سیاسی آن زمان از جمله امام حسین (ع) و عبدالله ابن زبیر روبرو شد. زیرا ایشان مخالف موروثی شدن خلافت بودند. ضمن اینکه این اقدام او خلاف مفاد صلح نامه امام حسن (ع) با معاویه بود. با اینهمه معاویه دندان به جگر

گذاشت و این مشکل را به گونه دیگر حل کرد. پس از مرگ معاویه در ۶۰ هجری، یزید دیگر معاویه نبود. ام الخبائث بود. تصمیم گرفت کار خود را با این آقازادگان یکسره کند. لذا بیعت گرفتن از امام حسین، عبدالله ابن زبیر، عبدالله بن عمر و عبدالرحمن بن ابوبکر را در دستور کار خود قرار داد. به پسر عموی خود که فرماندار مدینه بود طی نامه ائی دستور داد **هر چهار نفر ایشان که به ترتیب فرزندان حضرت علی (ع)، زبیر، عمر و ابوبکر بودند را دستگیر و تا بیعت نکنند با ایشان با تندی و خشونت رفتار کند** (ویکی پدیا، ۲۰۲۱). همه ایشان و دیگران با یزید بیعت کردند الا امام حسین و زبیر. **قربان علی (ع) بروم که چگونه از او بیعت گرفتند!**

امام که بعد از شهادت امام حسن (ع) در سال ۵۰ ه.ق، چون پدرش (۲۵ سال) و برادرش (۹ سال)، خود نیز حدود ۱۰ سال سکوت کرده بود برای احتراز از هر گونه درگیری، عازم مکه و سپس کوفه شد. اما کوفه جای امنی نبود. مجبور شد راه ناکجاآباد را در پیش بگیرد. خیلی زود معلوم شد آن ناکجاآباد جائی است بنام نینوا–کرب و بلا. مردم کوفه برای سومین بار (در دوران امام علی و امام حسن و امام حسین) بدعهدی کردند و امامان خود را تنها گذاشتند و با این کار خود به اسلام خیانت بزرگ کردند و امام حسین (ع) و یاران و فرزندان ایشان را در معرض بلایای عظیم کربلا قرار دادند.

بدین ترتیب، سال ۶۰ هجری به یک سال سرنوشت ساز دیگر برای اسلام تبدیل شد. با مرگ معاویه در ۱۵ رجب ۶۰ هجری، زنگ خطر سال جدید قمری اعلام شد. با شهادت مسلم بن عقیل در نهم ذیحجه، جنگ رسما آغاز شد. ماه بعد که ماه محرم بود و اول سال ۶۱ هجری قمری، کل اسلام شاهد یک سال خونین بود. در واقع آخرین رمق اسلام را یزید از اسلام نبی گرفت.

اسلام بعد از آن سه امپراطوری اموی، عباسی و عثمانی را پشت سر گذاشت اما اسلام مدینه النبی کجا و اسلام های من درآوردی کجا؟

در ذیل، ریز وقایع سال۶۰ و دو ماه اول سال ۶۱ هجری که از منابع مختلف جمع آوری شده است درج شد:

مرگ معاویه پس از حدود ۲۰ سال حکومت و مماشات با امام حسین (ع)	۱۵ رجب سال ۶۰ ه.ق
شروع خلافت یزید و خروج اجباری امام حسین (ع) از مدینه	۲۸ رجب
ورود امام (ع) به مکه	۳ شعبان
رسیدن نخستین نامه‌های کوفیان به امام (ع)	۱۰رمضان
رسیدن ۱۵۰ نامه از کوفیان به امام (ع) توسط قیس بن مُسْهِر، عبدالرحمان ارحبی و عُمارَهٔ سَلُولی	۱۲رمضان
وصول نامه سران و اهالی کوفه به امام (ع) توسط هانی بن هانی سبیعی و سعید بن عبدالله حنفی	۱۴رمضان
خروج مسلم از مکه به سوی کوفه	۱۵رمضان
ورود مسلم بن عقیل به کوفه	۵ شوال
نامه مسلم‌بن عقیل به امام حسین و دعوت از ایشان برای آمدن به کوفه	۱۱ذی‌القعده
خروج امام حسین (ع) از مکه	۸ ذیحجه

قیام مسلم بن عقیل در کوفه	۸ ذیحجه
شهادت مسلم بن عقیل در کوفه	۹ ذیحجه
سال ۶۱ هجری قمری	
یاری خواستن امام از عبیدالله بن حر جعفی و عمرو بن قیس در قصر بنی‌مقاتل	۱ محرم سال ۶۱ ه.ق
ورود کاروان امام (ع) به کربلا	۲ محرم
ورود عمر بن سعد با سپاه چهار هزار نفری به کربلا	۳ محرم
یاری خواستن حبیب بن مظاهر از بنی اسد برای یاری امام و ناکامی او در این مأموریت	۶ محرم
بستن آب بر روی امام حسین (ع) و یارانش	۷ محرم
پیوستن مسلم بن عوسجه به امام حسین (ع) و یارانش	۷ محرم
ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا	۹ محرم
ملاقات امام حسین و عمر بن سعد و زبونی عمر سعد در برابر حرف حق امام حسین (ع)	۸ محرم
امان‌نامه شمر به فرزندان ام‌البنین	۹ محرم
اعلام جنگ لشکر عمر سعد به امام (ع) و مهلت خواستن حضرت از عمر سعد	۹ محرم
آغاز جنگ تن به تن بین دو لشکر در روز عاشورا بین ساعت ۱۰ صبح لغایت ۴ بعد از ظهر	۱۰ محرم
شهادت حضرت ابوالفضل العباس و مردان بنی هاشم در ساعت ۲ بعد از ظهر	۱۰ محرم
شهادت امام حسین (ع) به وقت نماز مغرب (حدود ساعت ۱۶/۶ بعد از ظهر)	۱۰ محرم
حمله به چادرها و غارت اموال اسرا پس از شهادت امام حسین (ع)	۱۰ محرم
بریدن سر امام حسین (ع) و فرستادنفی الفور آن بدستور عمر بن سعد به کوفه	۱۰ محرم
اقامه نماز جماعت! مغرب توسط عمر بن سعد به وقت شرعی کربلا (۱۸/۴۹)	۱۰ محرم
نگهداشتن اسرا در یک چادر نیمه سوخته تا صبح فردا	۱۰ محرم
حرکت دادن اسرا به سوی کوفه از کنار پیکرهای شهیدان بهمراه سرهای مطهر دیگر شهدا	۱۱ محرم
از اهل غاضریه)) دفن شهدا توسط بنی اسد	۱۱ محرم
دفن شهدا بنابر نقلی دیگر	۱۲ محرم
ورود کاروان اسیران کربلا به کوفه	۱۲ محرم
حرکت کاروان اسیران از کوفه به شام	۱۹ محرم
ورود اهل بیت (ع) و سر مطهّر امام حسین (ع) به شام	۱ صفر
اقامت اسرا در شام بین ۱۰-۷ روز	؟؟
۱. ورود کاروان اسرا و اهل بیت امام (ع) به کربلا در اربعین حسینی، **و یا**	۲۰ صفر (روز اربعین)
۲. بازگشت کاروان اسرا و اهل بیت امام (ع)مستقیم از شام به مدینه	۲۰ صفر (روز اربعین)

منابع: روز شمار واقعه عاشورا، ویکی شیعه نت و زمان و نحوه شهادت امام حسین در روز عاشورا، تصویر زندگی (۱۴۰۲).

- سر منشا همه این جنایات بشری خود معاویه بوده است. او پس از انتخاب یزید بعنوان خلیفه مسلمین برغم ماده ۲ صلح نامه امام حسن (ع) که معاویه حقّ تعیین خلیفه پس از خودش را ندارد و خلافت از آنِ حسن بن علی (ع) است، شخصاً راهی مدینه شد تا از امام حسین، عبدالله ابن زبیر و عبدالله بن عمر و عبدالرحمن بن ابوبکر و چند نفر دیگر بیعت بگیرد (مراجعه شود به مقاله مردم **مردم زینب زیارت نامه ندارد**. در همین سایت). اما آن‌ها به مکه رفتند تا گرفتار این دام معاویه نشوند. معاویه آنان را دنبال کرد و همه ایشان را تهدید به مرگ کرد. اما آنان زیر بار حمایت از جانشینی او نرفتند. با وجود این، او توانست مکیان را قانع کند که آن چهار تن بیعت خود را شکسته‌اند، و با این ترفند و ترفندهای خاص خود چون تهدید، تطمیع و تزویر از مردم شهر برای یزید بیعت گرفت و چون عاقل تر و در عین حال مکارتر از یزید بود با امام حسین حدود ۲۰ سال کجدار مریز ساخت (۶۰-۴۰ هجری) و وقتی که هم می خواست بمیرد وصیت نامه زیر را نوشت که فرزند ناخلف تر از خودش نه آن را خواند و نه عمل کرد و ۶ ماه بعد، ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری، امام حسین و یاران او را شهید کرد.

ای برانداز من

ای سرافراز من

خون نوازد تو را

خون نخواند تو را

یک سکوت است تو را (حدود ۲۰ سال سکوت برای کل دوره خلافت معاویه و خلافت یزید بعنوان خلفای جعلی اسلام)

یک سکون است مرا

یک محرم تراست

یک مشرف مرا

من تو خوانم تو را

چون نخوانی مرا

وصیت نامه معاویه به یزید: من بر تو در کار خلافت از چهار کس می ترسم...

۱. از عبدالرحمن پسر ابی بکر: پسر بزرگ ابوبکر (پسر دوم ابوبکر بنام محمد بن ابوبکر است که از یاران حضرت علی بوده است. وی اولین والی مصر در زمان حضرت علی بوده است. خواهر ناتنی اش عایشه را او از مهلکه جنگ جمل بیرون برد. عبدالرحمن و عایشه از مادری بنام ام رومان پیش از اسلام آوردن ابوبکر و محمد بن ابوبکر از خانم اسماء بعد از اسلام آوردن ابوبکر متولد شدند. ابوبکر صدیق کلا فرزندان صالحی داشت)
۲. از عبدالله پسر عمر: پسر بزرگ ابوبکر
۳. از عبدالله پسر زبیر: پسر بزرگ زبیر
۴. و از حسین پسر علی: پسر دوم امام علی

اما پسر ابی بکر؛ مردی است که در یاران و دوستداران خویش می نگرد؛ هرچیز که آنان کنند، آن کند. دست از او بدار و هرچه کند او را بدان مگیر.

و اما پسر عمر؛ مردی سخت نیک است و ترک دنیا گفته. هرگاه او را بینی سلام من بدو رسان و او را عطایای وافر فرست.

و اما پسر زبیر؛ بر تو بسیار می ترسم از او که مردی سخت مکار است. گاه همچنان شیر گرسنه در تو جهد و گاه چونان روباه حیله گری کند. با او چنان زندگانی کن که او با تو کند. وگر با تو بیعت کند، او را برقرار دار.

و اما حسین....آه ای یزید، چه گویم در حق او. گه گاهش تهدیدی کن، اما زنهار که بر او شمشیر نکشی. چندان که توانی حرمتش دار که اینان جز در حرمت و منزلت رفیع زندگانی نتوانند کرد. پس ای پسر، چنان مباش که در گذری و خون حسین در گردن داشته باشی که هلاکت درآید... (ماخذ: امید مهدی نژاد-پایگاه خبری الف، آذر ۱۳۹۰).

پیام های مهم کربلا برای همه انسانها:

- **یاری خدا یاری دین خداست. دین ندارید آزاده باشید. در یاری دین خدا ثابت قدم باشید. در زندگی هر روز عاشورا و هر سرزمین کربلاست. این خط سبز خداست که می ماند. مبادا به خط های قرمز خدا نزدیک بشوید که گناهانی بالاتر از آن نیست. خدا را در این یاری همراه خود ببینید.**

دو پیام مهم دیگر کربلا برای دو گروه از ناآدم ها:

- **اکثر انسان ها مذبذب اند، دو رو هستند، ظاهر و باطنشان یکی نیست، منافق هستند، مرد حرف اند تا عمل. ترسو هستند، نان مفت خورند، متملق هستند. قلب هایشان با امام و شمشیرهایشان بر علیه امام است (قُلوبُهم مَعَک و سُیوفُهم عَلَیک). اینها طبق زیارت نامه عاشورا در چهار گروه مجزا قابل تمییز و تشخیص هستند. بواسطه عملکرد ظالمانه، منافقانه، جاهلانه و حتی مظلومانه خود مستحق لعن و نفرین دائمی هستند:**
  1. **جماعتی که باب جنگ را گشودند و اساسش را تاسیس کردند،**
  2. **کسانی که ایشان را مشایعت و همراهی نمودند در کنار زدن حق،**
  3. **کسانی که بیعت کردند در این ظلم و پای بیعتشان ماندند،**
  4. **کسانی که فقط تبعیت و پیروی از دستورات کردند و سیاهی لشکر دشمن به حساب آمدند.**
- **تعدادی اما انسانهای شریف با ژنهای برتر هستند. تعدادشان قلیل و مرامشان جلیل است. ایشان خداجوی و حق طلب هستند، جوهر انسانی و شرافت نژادی دارند، دوستدار واقعی حق و حقیقت اند، شهادت را بر ذلت ترجیح می دهند. ایشان تمام عمر دلبسته و وابسته این دو شعار سرنوشت ساز انسانی و فوق انسانی هستند:**
  1. **کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا و کُلُّ أَرْضٍ کَرَبَلاء،**

۲. هیهات منا الذلة.



- **یزید اما فلک زده است. نه دنیا را دارد و نه آخرت را. حتما او را در این مدت و حداقل در ایام محرم با امام حسین (ع) روبرو کردند تا امام خود را بشناسد و از امام خود حلالیت طلبی بکند! هرچه باشد کار او در قیامت به اذن خدا با امام حسین است.**
- اما جایگاه ماه محرم شناخته نخواهد شد مگر جایگاه تقویمی آن در گاهنامه های هجری-قمری کشورهای عربی مشخص بشود. دوازده ماه سال هجری قمری که مسلمانان از تک تک این ماه ها برای خود خاطراتی دارند به شرح زیر است. تلخ ترین آنها مربوط به ماه محرم و شادی آورترین آنها مربوط به ماه های رمضان و ذیحجه است. برای دو حادثه مهم دیگر تاریخ اسلام یعنی رحلت پیامبر عظیم الشان و میلاد امام زمان (عج) اختلاف امتی کماکان پابرجاست.

۱. محرم
۲. صفر
۳. ربیع‌الاول
۴. ربیع‌الثانی
۵. جمادی‌الاول
۶. جمادی‌الثانی
۷. رجب
۸. شعبان
۹. رمضان
۱۰. شوال
۱۱. ذیقعده
۱۲. ذیحجه

- آتش بس را اسلام نه چند روز بلکه چهار ماه اعلام کرده است (سنت اعراب جاهلی که اسلام هم آن را تائید کرد- حکم امضائی).

این دین اگر دین خشونت بود به یک روزش هم رضایت نمی داد. به چه جورش هم عنایت نمی کرد. می توانست مثل ماه نسی (ماه فراموش شده) رعایت چهار ماه حرام را هم بر مسلمانان نهی بکند [طبق تقویم قمری هر ۲ یا ۳ سال یکبار یک ماه اضافه وجود داشت که به ماه نسی معروف بود و قرآن آن را رسما بر مسلمانان نهی کرد (همواره،

شماره ماه‌ها نزد خدا دوازده ماه است. از این‌ها، چهار ماه، حرام است... نسی فزونی در کفر است که کافران بدان سبب گمراه می‌شوند (سوره توبه آیات ۳۷-۳۶). ظاهرا شان نزول این دو آیه این بوده که اعراب جاهلی تقیدی به حفظ حرمت چهار ماه حرام نداشتند و به بهانه ماه نسی زمانهای چهار ماه حرام را در تقویم خود تغییر می دادند]. اما اسلام دین فطرت ها است. دین تائید خوبی ها است. با خرده بینان خرده گیر کاری نمی توان کرد که وجودشان خرده دیدن و خرده گرفتن است. این آیات را نمی بینند آیاتی را نقد می کنند که اتفاقا نقطه قوت اسلام است. **تاریخ عاشورا ثابت می کند انسانهای پلید از رفتن در راه راست و گفتن حرف راست بیزارند، از خون و خونریزی لذت می برند، منطق زور دارند، منطق هدف وسیله را توجیه می کند دارند، میدانهای جنگ در طول تاریخ توسط این افراد که اتفاقا نامهای بزرگی هم دارند برپا شده است.**

سال جدید تحویل نشده (محرم) بفکر بیعت با زور و ترور امام حسین بودند (ذیحجه). سال هم که تحویل شد ۱۰ روز از سال جدید نگذشته بود که عاشورا را بپا کردند.

۳۰ هزار نفر به کمتر از ۱۰۰ نفر ظاهر شدند. حسین ۵۷ ساله، زینب ۵۳ ساله، عباس ۳۴ ساله، علی اکبر ۲۷-۲۰ساله، قاسم بن حسن۱۳ ساله، حبیب بن مظاهر ۷۵ ساله، و ده ها مجاهد فی سبیل الله دیگر که قوت قلب حسین و زینب و طفلان معصوم حرم در شب ترین شبهای دنیا یعنی تاسوعا و روزترین روزهای دنیا یعنی عاشورا بودند.

ا

ول راه را بعد آب را به روی کاروان بستند. بعد امان نامه توزیع کردند و چون دیدند هیچیک از این حربه ها کارگر نمی افتد به فکر قتال افتادند.

تا توانستند قتل ها کردند و کاش قتل می کردند، سلاخی کردند، نسل کشی کردند، تشنگی دادند و گرسنگی! به یک نوزاد ششماهه (علی اصغر) هم رحم نکردند. ژنهای پلید در مصاف با ژنهای متعالی کم آوردند.

نماز ابی عبدالله برای ایشان عبرت بود. محافظین نماز جماعت امام حسین برای ایشان عترت بود. اما دنیازدگی و دین زدگی کار خود را کرد و امت اسلام را الی ابد غصه دار و عزادار کرد. با این کار دودمان خود را هم بر باد دادند.

خدا با اسلام بود که با مستولی شدن بیماری سخت بر امام سجاد (ع) و با حمایت های بیدریغ خانم زینب (س) از برادر زاده خود، اسلام و کیان اسلام تا همیشه تاریخ پا بر جا ماند.

نماز ظهر عاشورا: مبارزه با دشمن منافق با نمایش شاهدترین و مشهودترین و شهیدترین نمازها ویژه امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان

- وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ

فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

و هر گاه در میان ایشان بودی و بر ایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را برگیرند [زیرا] کافران آرزو می کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند و اگر از باران در زحمتید یا بیمارید گناهی بر شما نیست که جنگ افزارهای خود را بر زمین نهید ولی مواظب خود باشید بی گمان خدا برای کافران عذاب خفت آوری آماده کرده است (نسا/۱۰۲).

- این قلم مربوط به کسی است که اصالتا و رسالتا حسینی است اما بیشتر کارهایش زینبی است. چوب کارهای زینبی هم کم نخورده است.
- تاریخ نوشته ها/سروده ها مثل موارد پیشین مربوط به سالهای قبل و تا چند دقیقه پیش است.
- و عاشورا ترسیم نمی شود، تقبیح نمی شود، خون حسین در رگ ها جاری نمی شود، ارزش کار اولاد و اصحاب حسین و ماموریت اسرای عاشورا دیده نمی شود مگر آرایش سپاه دو طرف در روز عاشورا مشخص بشود. تابلوی زیر یکی از قدیمی ترین تابلوی واقعه عاشورا است (دانشنامه اسلامی،۲۰۱۶).

مثل هر مورد دیگر کار مسلمانان تخریب آثار گذشته است. چقدر با ارزش بود میدان نبرد دست نخورده باقی می ماند و گریه های ما با دیدن آن مناظر تلخ چندین برابر می شد. علمای زیست شناس به گنج ژنهای برتر می رسیدند و.. بیابان خدا آن روزها و بعد از آن هم ارزش نداشت.

- فعلا به این عکسهای گرفته شده توسط ناصرالدین شاه بسنده که توسط آقای سیاح زاده همسفر عتبات من در اختیار من گذاشته شد بسنده می کنم (سال ۱۲۸۷ هجری قمری).





جزئیات آرایش نظامی لشکر باطل علیه لشکر آسمانی امام حسین (ع).

به‌گفته بلاذری و دینوری، تعداد سپاه حسین ۳۲ سواره و ۴۰ پیاده بوده است. در منابع مختلف این تعداد به ترتیب ۸۲، ۱۱۴، ۱۴۵، ۱۷۰، ۶۰۰ و ۱۰۰۰ نفر هم ذکر شده است. از امام محمدباقر (ع) روایت شده است سپاه امام حسین (ع)، چهل و پنج سوار و صد نفر پیاده بود. در مورد تعداد سپاهیان ابن سعد را اعداد بین ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ متغیر است. رسول جعفریان مقدار نیروهای سپاه یزید را از ۲۲ تا ۳۵ هزار نفر عنوان کرده است. هنری مانسون شمار نیروها را ۳۰ هزار نفر عنوان کرده است (ویکی پدیا، ۲۰۲۴).

لشکر یزید دو فرمانده ارشد و چند فرمانده گردان و تیپ داشت که فرماندهان ارشد لشکر عمر بن سعد و شمر بن ذی‌الجوشن با حمایت عبیدالله بن زیاد بودند و فرماندهان زیر رده یزید بن رکاب کلبی، حسین بن نمیر تمیمی، مغایر بن رحیمه، کعب بن طلعه، شبث بن ربعی، حجاز بن ابجد، عمر بن حجاج زبیدی، یزید بن حرث، عرزه بن قیس

بودند که هر کدام بین ۵۰۰ تا ۴هزار نیرو را فرماندهی می‌کردند که مجموع این نیروها در منابع بیش از ۳۰ هزار نفر ارزیابی شده است (مشرق، ۱۵ مهر ۱۳۹۵).

در پورتال حرم مطهر امام حسین علیه السلام بنام "للعتبة الحسینیة المقدسة" به نقل از معالی السبطین، صفحه ۴۴۶ – ۴۴۵)، نحوه بسیج نیروها به شرح زیر توضیح داده شده است:

وقتی که ابن سعد به همراه چهار هزار نفر و یا به روایتی شش هزار نفر از سپاه خود در سرزمین کربلا مستقر شد به دنبال آن ابن زیاد، سپاه زیادی را گروه گروه روانه کربلا می کرد تا ابن سعد را پشتیبانی کنند تا روز ششم محرم، سپاه تحت امر ابن سعد به بیست هزار نفر رسید. در بعضی کتابها نقل شده است وقتی ابن سعد با سپاهش وارد کربلا شدند و دومین گروهی که پس از او وارد کربلا شدند به ابن سعد ملحق شدند گروه چهار هزار نفری تحت امر شمر بن ذی الجوشن بود. و به روایتی نیز گفته شده است که او با سپاهش در روز نهم محرم به کربلا رسیدند و به روایت دیگری این چنین آمده که شمر با سپاهش اولین گروهی بودند که به کربلا رسیدند و به عمر بن سعد ملحق شدند و سپس شمر به کوفه برگشت و دوباره به طرف کربلا حرکت کرد و روز نهم محرم وارد کربلا شد. پس از شمر بن ذی الجوشن و سپاهش، عروه بن قیس به همراه چهار هزار نفر مسلح، به سپاه ابن سعد ملحق شد و پس از او سنان بن انس به همراه چهار هزار نفر و بعد از او حصین بن نمیر به همراه چهار هزار نفر و پس از او یزید بن رکاب کلبی به همراه چهار هزار نفر و سپس آن شخص مازنی به همراه سه هزار نفر مسلح و بعد از او خولی به همراه سه هزار نفر وارد سرزمین کربلا شدند و به سپاه ابن زیاد ملحق شدند.

ابومخنف می گوید تعداد سپاه ابن سعد، هشتاد هزار نفر بودند و همه آنها از اهل کوفه و اطراف آن بودند و هیچ کدام آنان از اهل حجاز، بصره و شام نبودند.

برعکس، سپاه امام حسین (ع) اکثر از حجاز با وی بودند. تعدادی از کسانی هم که در راه به حسین پیوسته بودند پس از مطلع شدن از کشته شدن قاصد امام در کوفه، از وی جدا شدند اما کسانی که از حجاز با وی بودند، او را ترک نکردند (ویکی پدیا، ۲۰۲۴).

- کربلا اگر کربلا نشد مگر خون حسین ریخته شد. خون اولاد و اصحاب حسین ریخته شد. اشک یتیمان ریخته شد. اشک ملائک ریخته شد. اشک اسلام ریخته شد. اشک محبین حسین در طی ۱۴۴۳ سال ریخته شد. از همه مهمتر، نگاه خدا از کربلا برداشته نشده است. در سایت تابناک مورخ ۱۳۹۱/۹/۸ نام و تعداد دقیق شهدای کربلا به شرح جدول زیر درج شده است با این تاکید که:

۱. تعداد مشهور شهدای کربلا را ۷۲ نفر عنوان می‌کنند اما برخی منابع تعداد شهدا را حتی تا ۱۵۵ نفر هم ذکر کرده‌اند

۲. شهدای واقعه کربلا جزو چهار گروه زیر می باشند:

   - شهدای کربلا از اصحاب پیامبر (ص)،
   - شهدای کربلا از یاران امام علی (ع)،
   - شهدای کربلا از اهل‌بیت امام حسین (ع)،
   - شهدای کربلا از یاران امام حسین (ع)

۳. نام هایی که با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند، تنها در منابع نادر ذکر شده‌اند. فهرست مشابه دیگر در مقاله"مردم زینب زیارت نامه ندارد" در همین سایت).

ردیف	شهدای کربلا از یاران امام حسین (ع) (۸۵ نفر)	شهدای کربلا از اهل‌بیت امام حسین (ع) (۶۰ نفر)	شهدای کربلا از یاران امام علی (ع) (۸ نفر)	شهدای کربلا از اصحاب پیامبر (ص) (۴ نفر)
1	ابراهیم بن حُصَین اسدی	علی اکبر (ع)	ابوثُمامه عمرو بن عبد اللّه صائِدی	اَنَس بن حارث (شهیدکربلا)
2	برادرزاده حُذَیفهٔ بن اَسید غِفاری	عبداللّه (علی اصغر)	حبیب بن مُظاهر اسدی	عبد الرمان بن عبد ربّه انصاری (شهید کربلا)
3	ابو هَیّاج	عبداللّه بن علی	زاهر، غلام عمرو بن حَمِق	هانی بن عروه مراد (شهید کوفه)
4	اَدهَم بن امیّه	عثمان بن علی	عمّار بن ابی سلامه دالانی	عبدالله بن یقطر حمیری (شهید کوفه)
5	انیس بن مَعقِل اَصبَحی	جعفر بن علی	سعد بن حارث خُزاعی، غلام امیر مؤمنان (ع)	
6	بُرَیر بن خُضَیر	عبّاس بن علی	عبداللّه بن عُمَیر کَلْبی	
7	بشیر بن عمرو حَضرَمی	ابوبکر بن علی	کَردوس بن زهیر	
8	جابر بن حَجّاج	محمّد بن علی	نافِع بن هلال جملی	
9	جَبَلهٔ بن علی شیبانی	ابوبکر بن حسن		
10	جُنادهٔ بن حارث	عبداللّه بن حسن		
11	جُندَب بن حجیر	قاسم بن حسن		
12	جون، غلام ابوذر	جعفر بن عقیل		
13	جوین بن مالک	عبدالرحمان بن عقیل		
14	حارث بن اِمرؤ القیس	عبداللّه بن عقیل		
15	حارث بن نَبهان	محمّد بن ابی سعید بن عقیل		
16	غلام حمزهٔ بن عبد المطّلب	عبداللّه بن مسلم بن عقیل		
17	حتوف بن حارث	محمّد بن عبداللّه بن جعفر		
18	حَجّاج بن زید	عون بن عبداللّه بن جعفر		

19	حَجّاج بن مَسروق	ابراهیم بن علی*		
20	حُرّ بن یزید ریاحی	عبّاس اصغر بن علی*		
21	حلّاس بن عمرو	جعفر بن علی*		
22	نُعمان بن عمرو	عبداللّه اکبر بن علی*		
23	حَنظَلَة بن اسعد	عبداللّه اصغر بن علی*		
24	رافع، هم پیمان بنی شنده	عبیداللّه بن علی*		
25	رُمَیث بن عمرو	عمر بن علی*		
26	زُهَیر بن بِشْر خَثْعَمی	عتیق بن علی*		
27	زُهَیر بن سلیم اَزْدی	قاسم بن علی*		
28	زُهَیر بن قَین بَجَلی	بشر بن حسن*		
29	زید بن مَعقِل	عمر بن حسن*		
30	سالم، هم پیمان ابن مدنیّه	ابوبکر بن حسین*		
31	سعد بن حنظله تمیمی	ابوبکر بن قاسم بن حسین*		
32	سعید بن عبد اللّه حنفی	ابراهیم بن حسین*		
33	سعید بن کَردَم	جعفر بن حسین*		
34	سلیمان، غلام امام حسین	حمزة بن حسین*		
35	سلیمان بن ربیعه	زید بن حسین*		
36	سوّار بن ابی حِمیَر	قاسم بن حسین*		
37	سُوَید بن عمرو بن ابی مُطاع	محمّد بن حسین*		
38	سیف بن حارث جابری	عمر بن حسین*		
39	شَبیب بن عبد اللّه نَهشَلی	محمّد بن عقیل*		
40	سیف بن مالک	محمّد بن عبد اللّه بن عقیل*		
41	ضَرغامة بن مالک	حمزة بن عقیل*		
42	شوذَب، هم پیمان بنی شاکر	علی بن عقیل*		
43	ضُباب بن عامر	عَون بن عقیل*		
44	عابِس بن ابی شَبیب شاکری	جعفر بن محمّد بن عقیل*		
45	عامر بن مسلم	ابوسعید بن عقیل*		
46	سالم، غلام عامر بن مسلم	ابراهیم بن مسلم بن عقیل*		
47	عباد بن ابی مهاجر	محمّد بن مسلم بن عقیل*		

48	عبدالرحمان بن عبد اللّه اَرحَبی (یَزَنی)	عبدالرحمان بن مسلم بن عقیل*		
49	عبداللّه بن قیس غِفاری	عبیداللّه بن مسلم بن عقیل*		
50	عبد الرحمان بن قیس غِفاری	ابوعبداللّه بن مسلم بن عقیل*		
51	عُقْبهٔ بن صَلت	علی بن مسلم بن عقیل*		
52	عمّار بن حسّان طایی	ابراهیم بن جعفر*		
53	عمران بن کعب	ابوبکر بن عبد اللّه بن جعفر*		
54	عمر بن اَحدوث حَضرَمی	عون اصغر بن عبداللّه بن جعفر*		
55	عمر بن خالد صَیداوی	حسین بن عبداللّه بن جعفر*		
56	سعد، غلام عمر بن خالد صَیداوی	عبیداللّه بن عبداللّه بن جعفر*		
57	عمرو بن خالد اَزْدی	عون بن جعفر بن جعفر*		
58	خالد بن عمرو اَزْدی	محمّد بن جعفر*		
59	عمرو بن ضَبیعه	محمّد بن عبّاس*		
60	عمرو بن عبد اللّه جُندَعی	احمد بن محمّد هاشمی*		
61	عمرو بن قَرَظَه انصاری			
62	غلام ترک			
63	قارِب، غلام امام حسین			
64	قاسم بن حبیب اَزْدی			
65	قَعنَب بن عمرو نَمِری			
66	کِنانهٔ بن عتیق			
67	مالک بن عبد بن سَریع جابری			
68	مُجَمِّع بن زیاد			
70	مُجَمَّع بن عبد اللّه عائذی			
71	پسر مُجَمّع بن عبد اللّه عائذی			
72	مسعود بن حَجّاج			
73	عبد الرحمان بن مسعود			
74	مُسلم بن عَوسَجه اسدی			

75	مسلم (/ اَسلَم) بن کثیر			
76	مُنجِح ، غلام امام حسین			
77	نَعیم بن عَجْلان			
78	هَفهاف بن مُهَنَّد راسِبی			
79	هَمّام بن سَلَمه قانِصی (قایضی)			
80	وَهْب بن وهب			
81	یحیی بن سلیم مازِنی			
82	ابو شعشعا، یزید بن زیاد بن مُهاصِر			
83	یزید بن نَبیط عبدی			
84	و فرزندش عبد اللّه بن نَبیط عبدی			
85	و فرزند دیگرش عبید اللّه بن نَبیط عبدی			

- این قلیل برگزیده با نام و بی نام خدا اوتاد زمین و آسمان بوده و هستند. یار حسین بوده و هستند. یار اسلام بوده و هستند. ایشان اسلام را با خون مبارک خود نه یکبار که چند بار (چون حاضر بودند هزار بار بمیرند و زنده بشوند و از امام خود و دین جد او محافظت بکنند) آبیاری مجدد کردند، احیا کردند، پالایش کردند تا جان تازه ائی بر کالبد نحیف آن دمیده بشود تا برای مدتی بتواند به حیات طیبه و مبارکه خود ادامه بدهد.

ائمه طاهرین بویژه امامان سجاد و محمدباقر و امام صادق علیهم السلام به ترتیب با ۳۵ و ۱۹ و ۳۴ سال دوره امامت خود این فرصت طلائی را بدست آوردند که به این درخت تازه روئیده با خون شهدای کربلا روح تازه ائی بدمند و به انباشت سئوالات و ابهامات نسلهای ماقبل و مابعد خود پاسخ متقن بدهند.

بی خود نیست که لقب امام سجاد زین العابدین، امام باقر باقر العلوم و امام صادق کاشف الحقایق است. زیرا ایشان با معنویت و فضلیت خود انتقام کربلا را از خلفای اموی گرفتند. بطوریکه دوره امامت امام صادق (ع) مصادف شد با ضعف تدریجی حکومت امویان و جایگزینی آن با حکومت عباسی. لذا آن حضرت در دوره امامت خود شاهد حکومت پنج خلیفه آخر اموی و دو خلیفه نخست عباسی بود.



وقایع صبح تا عصر روز عاشورا: نحوه ورود مجاهدین خدا به صحنه نبرد باا لشکر کفر یزید

- اما چیزی که من از محرم/عاشورا/ مکتب اسلام/مکتب عاشورا/ مکتب عباس و زینب آموختم:
- امام حسین (ع) نشان داد مرگ با زندگی شرافت دارد به زندگی با مرگ.
- فقط روز تاسوعا نبود مردم امام حسین را در راه مبارزه با کفر تنها گذاشتند. این بلا را سر جد او هم آوردند! در آیه۱۳ سوره احزاب خداوند می فرماید"نیز به خاطر بیاورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند ای اهل یثرب (مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست، به خانه‌های خود باز گردید، و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند خانه‌های ما بدون حفاظ است، در حالی که بدون حفاظ نبود، آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند"!

- امام حسن و امام حسین دو عزیز دردانه پیامبر، دو سرور و دو سید شباب اهل الجنه وارث بهترین و مودب ترین ژنهای پروردگار عالم بودند. وقتی آدم می خواند یک نادان جاهل در پی ثواب اخروی (محرم که به خودی خود ایجاد نشد. به فرمان یزید و صدور فتوای خارجی بودن ایشان کلید خورد) به امام حسین (ع) در روز عاشورا از پشت سر سیلی می زند غرق خون، اشک، ماتم و غصه می شود.

اما یکی از مصادیق ادب ایشان: امام حسن و امام حسین در دوران کودکی متوجه خطای وضو گرفتن یک پیرمرد می شوند. برای تصحیح وضو گرفتن پیرمرد، یک تدبیر مودبانه می کنند و پیرمرد را قاضی می کنند تا وضو گرفتن هر دو را ببیند و قضاوت بکند وضوی کدامیک درست است؟ حسن یا حسین! پیرمرد متوجه خطای وضوی گرفتن خود می شود و می گوید وضوی هر دو شما صحیح و وضوی من نادرست است.

اصحاب عاشورا

(۱۳۹۲)

تو آن کن که یادت فراوان کنم

به لب تشنگان یاد دیگر کنم

به اصغر به اکبر به عباس مرد

زن بیشه ها یاد دگر کنم

مرز حق

(مهر ۱۳۹۵)

حرب ها دیدم حسین در مشق حق دیدم حسین

حرف ها گفتند حسین با حرف حق دیدم حسین

رنگ من در روشنی است در روشنی دیدم حسین

مرز ها دیدم حسین تا مرز حق دیدم حسین

- نمی دانم برای مصیبت کربلا اول باید گریست بعد گفت؟ یا اول گفت بعد گریست؟ یا همزمان هم گفت و هم گریست!

روز تاسوعای حسینی

(۲۰مهر ۱۳۹۵. عکس از دانشجوی عراقی عقیل سالم جاسم. مرداد۱۴۰۱)



من نوا دیدم حسین
تاج سر دیدم حسین

در نینوا دیدم حسین
بی سر حسن دیدم حسین

من بلا دیدم حسین
جای حق دیدم حسین

در کربلا دیدم حسین
در جایگاه دیدم حسین

یا حسین دیدم حسین
مرد حق دیدم حسین

با هر عزا دیدم حسین
میدان حق دیدم حسین

تا کجا دیدم حسین
من شفا دیدم حسین

تا مرز حق دیدم حسین
در هر قضا دیدم حسین

شهر شهر گفتند حسین
من فضا دیدم حسین

من شهر خود دیدم حسین
با هر غزا دیدم حسین

شرح شرح گفتند حسین
شیر مرد دیدم حسین

من شرح خود دیدم حسین
با شیر زن دیدم حسین

خون حق دیدم حسین
زینبی دارد حسین

من خون بها دیدم حسین
در هرکجا دیدم حسین

من ادب دیدم حسین
کل شهر دیدم حسین

با بی ادب دیدم حسین
در کل ارض دیدم حسین

با ندا دیدم حسین
با حسینی یا حسین

با بی ندا دیدم حسین
با ما اگر ای وای حسین

- اما چند نظر من در سالهای نه چندان دور در دو سایت خبری بینانیوز و شفقنا:
- نظر من (فایل ۴) ذیل گزارش مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ سایت شفقنا تحت عنوان آیا واقعا امام حسین حجش را نیمه تمام گذاشت؟ (تکرار در مقاله سفر روحانی من، ۱۳۹۳در این سایت):

مقدمتا باید بنویسم برای نوشتن نظر زیر سر از پا نمی شناختم. یادم هست تا ۳ نصف شب بیدار ماندم. سر بر بالش خود در تاریکی شب فقط فکر می کردم. چند لحظه در چشمان بسته خود سایه لشگر امام حسین (ع) را به صورت ساکن می دیدم. "سه پرده از رمز و راز حج را پیرامون دو موضوع" چرا کعبه چهارگوش است" و چرا "حجاج خلاف جهت عقربه های ساعت طواف می کنند" در قالب های تصویری ممکن بیان کردم.

امروز که روز اول محرم است و ماه ایثار و ماتم است حق است به آن شهید تاریخ و آن زائر بنام کعبه ادای احترام کنیم و به خود گوشزد که رنج اسلام فراوان و وظیفه مسلمانی و حاجی بودن سنگین.

طبق نوشته فوق و گزارشهای مشابه برخی معتقدند دعای عرفه توسط امام حسین (ع) در روز عرفه (۹ ذی‌الحجه) در صحرای عرفات خوانده شده است و برخی معتقدند بر طبق شواهد و قرائن، قرائت این دعا توسط امام حسین (ع) مربوط به آخرین حجش نبوده است. چرا که او در سفر حجی که قبل از واقعه کربلا بود، در عرفات توقف نداشت. امام حسین (ع) در ذی‌الحجه سال ۶۰ قمری که به مکه رفت، در بین اعمال حج متوجه توطئه عوامل یزید شد، از این‌رو حج را به عمره تبدیل کرد و سپس طواف خانه و سعی صفا و مروه را به جا آورد و به سمت کوفه حرکت کرد (دعای عرفه امام حسین. ویکی شیعه،۲۰۲۱).

امام حسین (ع) در سفر حج منتهی به کربلا درحج عمره مفرده بوده باشد و چه عمره تمتع، او و یارانش با وفایش هفتم ذی حجه در مکه بوده است. هشتم ذی حجه یعنی یک روز قبل از شروع حج تمتع از مکه خارج شده است.

پرسش: منظور او از آمدن این همه راه چه بوده است؟

پیداست هدف بزرگی داشته است. او هم چون هر انسان دیگر محتاج دعا و پیغام است. مرکز پیغام کعبه است. محل انتشار نور دایره طواف است. مدار اتصال است. زمان عروج دور آخر طواف است.

اما او در این طواف تنها نیست. چند نسل او از ابراهیم- هاجر- اسماعیل تا محمد- فاطمه-علی او را در این طواف بعنوان یکی از دو شباب الجنه مشایعت می کنند. او به همراه ذریه قبل و بعد از خود در هفتمین دور طواف از بیت المعمور می گذرد. حکم را رسما می گیرد، با نور خدا، نور علی نور می شود. در زمین لختی می ایستد و بعد با عجله راه کربلا را در پیش می گیرد. بقیه مناسک چی؟ حرمت حج نیمه کاره چه می شود؟.. او چون جد بزرگوارش دارای رسالت است. حامل پیغام عظیم است.

اگر پیامبر هم اجازه داشت پیغام را از کعبه و نه از غار حرا می آورد. اما ظاهرا اسلام استقرار یافته و این مقدار اجازه را به دارندگان و اصلاح کنندگان پیغام می دهند!

باید کعبه را به کربلا متصل کند. چه مشابهت اسمی زیبائی کعبه و کربلا! شما می فرمائید وقوف در عرفات و مشعر چه می شود؟ رَمی جمرات چه می شود؟ او می گوید اسلام چه می شود؟ منزل به منزل ردپای نور کعبه را می شود

پشت آن کاروان که همه از اخیار بودند را دید. این خط/پیغام نور همیشه بین کعبه و کربلا بر قرار است. اما نکته آخر او نگران قربانی کردن نیست! محلش تغییر یافته ذبیحش آماده است. سلام بر حسین ذبیح الله (چون جدش اسماعیل ذبیح الله). "السلام علی الحسین و.....اصحاب الحسین".



- این تمام داستان من برای فهم درست عاشورای نبود. روز عاشورای ۱۳۹۱ خیلی علاقمند شدم مسیر کاروان از ۱) شروع (مدینه) تا روز واقعه (کربلا)، ۲) تا بردن اسرا (۱۶ پسربچه بعلاوه ۱ نفر حضرت امام سجاد و کمتر از این تعداد خانم ها بودند که خانم زینب رئیس و فرمانده کاروان اسرا بود. در کل تعداد اسرا کمتر از یک سوم شهدا بودند) به کوفه و دمشق و ۳) تا بازگرداندن اسرا به مدینه را دقیق بدانم (**خط مشکی پر رنگ. تعیین مسیر برگشت احتمالی توسط نگارنده**). از تعداد اسرا بدانم و..
- دانستن بیشتر جز درد انسان را تازه کند، جزو شقاوت دشمنان را برملا کند حاصلی بیش ندارد. اینست هر محرم برای یک مسلمان واقعی یادآور رنج و درد کل عالم اسلام است. دردناک و بیمناک است. رنج بی توصیف است. بی حسین بودن خودش به اندازه کافی دردناک هست تا بی حسین راه برگشت را با شترهای بی جهاز همراه با ملامت و مرارت طی طریق کردن. حسین شهید و زینب اسیر! بدست نامحرمان اسلام!
- در جستجوی اینترنتی، ۳ فایل را پیدا کردم و ضبط کردم که نشان می داد:

۱. **کل مسیر حرکت از مدینه به مکه و زیارت خانه خدا تا کربلا و تا شام ۴۱۰۰ کیلومتر بوده است،**
۲. **کل اسرا حدود یک سوم شهدا،**
۳. **ایراد سه خطبه توسط حضرت زینب در بازار کوفه (مردم کوفه)، بارگاه ابن زیاد (کوفه) و دربار یزید (کاخ سبز در شام). حضرت امام سجاد بنابر هر مصلحتی فقط در مجلس یزید لب به سخن گشوده است.** اقوال در مرود محل برگزاری مجلس یزید متفاوت است. طبق منبع حاضر، قصر یزید که آن را دار الخلافه می‌نامیدند، نزدیک

مسجد جامع اُمَوی بود. یزید برای اینکه پیروزیش را به رُخ مردم بکشد، اجازه داد تا همه وارد دارالخلافه شوند و از این رو قصر پر از جمعیت شد (مسیر حرکت امام حسین "کاروان حسینی" از مکه تا کربلا+ اسیران از کربلا تا مدینه. **پیراسته فر**).

- **در مورد شهر شام مقر دربار یزید هم اختلاف نظر ها زیاد است**. منابع مثل مورد پائین شام را دمشق نوشته اند. علت این است که شام در گذشته های دور، شامل کشورهای فعلی سوریه، لبنان، اردن و فلسطین اشغالی می شدست. همچنین به پایتخت سوریه که هم اکنون دمشق نام دارد نیز اطلاق می شد. طبق یک منبع جدید فاصله شام تا دمشق با ماشین نیم ساعت است.

۴۳۱ کیلومتر (از مدینه به مکّه) + ۱۴۴۷ کیلومتر (از مکّه به کربلا) + ۷۰ کیلومتر (از کربلا به کوفه) + ۹۲۳ کیلومتر (از کوفه به دمشق از راه بادیه) + ۱۲۲۹ کیلومتر (از دمشق به مدینه) = ۴۱۰۰ کیلومتر.

در خصوص نحوه ورود عبیدالله بن زیاد والی بصره به ماجرای کربلا:

- یزید به محض اطلاع از حرکت امام، به عبیدالله بن زیاد نوشت: شنیده ام از مکه قصد سرزمین تو کرده است. دستور می دهم:

۱.در راه نگهبانان قرار بده.

۲.جاسوسان بگمار تا مسائل را اطلاع دهند.

۳.همه روزه اخبار را برای من بنویس.

۴.هرکس با تو جنگ کند با او بجنگ.

بنابراین، یزید او را در سال ۶۰ ه.ق پس از آشفتگی اوضاع کوفه، با حفظ سمت به امارت این شهر گماشت و سرکوب قیام حسین را هم به او سپرد که در نهایت منجر به حادثه کربلا و شهادت آن حضرت و یاران با وفایش در دهم هجری ۶۱ه.ق شد.

- **اما آنچه در منابع فارسی مغفول مانده است مسیر حرکت ابن زیاد از بصره به کوفه و سپس کربلاست. کل مسیرها به ریز در صدها فایل اینترنتی مشخص شده است اما از بصره تا کربلا که می رسی هیچ اطلاعاتی موجود نیست! نشان می دهد در دشمن شناسی ما ضعیف هستیم. بیشتر با مسیرهای زیارتی امروز آشنا هستیم تا مسیر حرکت دشمن در دو جهت کوفه و کربلا.**
- دو شهر کوفه و کربلا مسیر حرکت ابن زیاد و محل ماموریت جنایتکارانه اوست: فاصله بصره به کربلا ۵۲۴ کیلومتر و فاصله کوفه تا کربلا حدود ۸۰ تا۹۰ کیلومتر است.

- در شکل زیر مسیر حرکت کاروان امام حسین (ع) از مدینه تا کربلا و مسیر کاروان زینب (س) از کربلا تا شام را نشان می دهد:



مسیر حرکت کاروان امام حسین (ع). راه بادیه کوتاه ترین مسیر احتمالی برگشت اسرا از کربلا به شام بوده که تقریباً ۸۰۰ کیلومتر است (پیراسته فر).

- در آخرین روزهای ماه ذی‌الحجه سپاه هزار نفری حر بن یزید ریاحی به قافله امام حسین (ع) رسید. امام حسین (ع) از او پرسیدند: با مایی یا ضد ما؟! حر پاسخ داد: بر ضد شما آمده‌ام تا شما را به کوفه نزد ابن‌زیاد ببرم. امام حسین (ع) فرمودند: به کوفه نمی‌آیم و برمی‌گردم. ولی حر با بازگشت امام حسین (ع) مخالفت کرد و گفت: تا رسیدن دستور جدید، حق بازگشت ندارید! حر نامه‌ای به ابن‌زیاد نوشت و کسب تکلیف کرد. ابن زیاد پاسخ نامه حر را داد: حسین بن علی را در جایی که آب و آبادی نباشد نگه‌دار تا سپاه عمر سعد برسد. حر به دستور عمل کرد و امام حسین (ع) روز دوم محرم، به کربلا رسید.

امام حسین (ع) می‌خواست که در قریه نینوا که در شمال شرقی کربلا واقع بود توقف بکند. اما حر بن ریاحی مانع توقف کاروان امام حسین (ع) در نینوا شد و امام ناچار شد به سمت کربلا حرکت بکند.

سه روستای اطراف کربلا بنامهای غاضریه، نینوا و طف می باشند.

هر سه روستا، جزو کربلا و نامهای دیگر کربلای قدیم محسوب می شوند.

غاضریه در یک کیلومتری کربلا قرار داشته و همان مکانی است که تقریباً اکنون حرم ابوالفضل (علیه السلام) در آن واقع است. روستای آباد، وسیع و پر رونق در کنار فرات و در شمال کربلا. پس از شهادت امام حسین، نینوا توقف‌گاه زائران قبر امام حسین (ع) بود (نینوا، ویکی شیعه).



رویاروی کاروان امام حسین (ع) با سپاه حر بن ریاحی در نینوا در نزدیکی کربلا (روز شمار عاشورا به روایت تصویر).

پیام داران کربلا: امام حسین (ع) و زینب (س)

- از جمله کارهای مدبرانه حضرت زینب (س) پس از حادثه کربلا، برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه پوش نمودن محمل ها بود که فرمود:

اجعلوها سوداء حتی یعلم الناس، انا فی مصیبة وعزاء لقتل اولاد الزهراء (س) – محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا هستیم.

هر چند این گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی ارزش بود ولی در حقیقت همین کارهای با ارزش زمینه ساز قیام و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست کاخ یزیدیان را متزلزل کند.

- و بعد هم دریافتم در عمل دو کاروان عازم کربلا بودند.

۱. کاروانی که مقصد نهائی ایشان کربلا بود، و

۲. کاروان دیگر که مقصد نهائی آن مدینه دوم بود.

این دو کاروان یک قافله سالار، یک علمدار و یک پیام دار بنام داشت. پیام مکه را به حضرت امامش دادند. پیام دوم در کربلا صادر شد و تا کربلائی نشد بدست حضرت زینب سپرده نشد.

هر دو پیام برنوشته از نور بودند.

اما پیام دوم به جهل قوم یزید و به فخر شهدا خونین شد. خیلی وقت ها پیام های صلح و دوستی کاری را از پیش نمی برند و لازم است پیام سرخ/اسارت به گوش ها برسد! زینب حامل پیام "نور و خون" باید خبر پیروزی اسلام را با خطبه های نورین– خونین خود به اطلاع همه مسلمین جهان اسلام می رساند. کجا ثبت کند که بی هیچ کاستی

ثبت بشود، تحریف نشود و آیندگان از آن درس"همه جا کربلا و هر روز عاشورا" بگیرند. هر جائی که کانون خبر عالم اسلام است! کجا؟ "دربار- بارگاه- بازار کوفه، شام و دمشق و آخر سر هم به مردم مدینه".

این دربارها قرنها بود که خون مردم را به شیشه می کردند و در طول تاریخ مرتب شبیه سازی می شدند. جنس این شیشه های رنگین از ظلم و ظلمت است. محال است خون به شیشه شده مردم در آن ظروف شیشه ای قابل رویت باشد. کار حضرت زینب و امام ساجدین در آن روزهای سخت که گفتنش سهل، درکش دشوار و تحملش غیرممکن است ترک دادن این ظروف شیشه ای پر خون با نرم افزار پیروزی خون بر شمشیر بود.

هر دو کاروان با این دو پیام همه رنج های سفر اول و دوم را تحمل کردند تا نور خدا بر روی زمین ثبت گردد.

یکایک اعضای کاروان خود در لحظات سخت تصمیم، تقدیم خون و تکریم امام خود یک امام کامل بودند. چنان شانه به شانه به امامشان و خدای دینشان عرض ارادت می کردند که تمایز ایشان به جز از طریق نام افراد غیر ممکن بود.

در آن عصر فقط این ۷۲ نفر قابلیت امام شدن را داشتند. امت ۷۲ نفری برای بیداری هم امت ها و بویژه امت ۱/۵ میلیاردی امروز مسلمانان.

خدایا مصیبت بزرگ بود. می دانم محدود به زمین و دشت وحشت کربلا نمی شد و کل سما و ارض به تماشای این تابلو بی بدیل تاریخ بودند اما از زیارت نامه امام حسین می آموزم که **خدایا "مرا به معرفت ایشان گرامی و بیزاری از دشمنان ایشان را روزی من بفرما".**

- کدام نهضت جز نهضت امام حسین (ع) را می شناسید که اول، وسط و آخر آن حماسه باشد. حر در اول، زینب در وسط و مختار در آخر این حماسه ۷۲ تن قرار دارند. عجب ترکیب شگفت انگیزی است. رسالت مشترک برای آدمهای غیر مشترک!

حضرت علی (ع) در موضوع بیعت فرمود اگر ۴۰ یار داشتم قیام می کردم! وقتی ۳۶۰ نفر با امیرالمومنین (ع) بیعت کردند حضرت فرمود فردا در فلان مکان با سر تراشیده حاضر شوید. جز ۵ نفر که عبارت بودند از ابوذر- حذیفه- مقداد- عمار و سلمان کسی حاضر نشد. یا امام زمان (عج) منتظر۳۱۳ یار است تا ظهور بفرمایند!! بقیه امامان هم اندازه ۴۰ یار نداشتند!

پس نتیجه می گیریم خوش اقبال ترین ایشان امام حسین (ع) بوده است. ایشان تک آوران بنام تاریخ اند که هر کدام به تنهائی تاریخ سازند (بخشی از نظر من درج در سایت بینانیوز ذیل خبر نظریه‌پرداز اصولگرا: داعش را خداوند فرستاده. مورخ۵ نوامبر ۲۰۱۴-مهر ۱۳۹۳. فایل ۵۹). و چون چنین است **حادثه کربلا مهمترین، بزرگترین، موثرترین و سرنوشت سازترین حادثه تاریخ پس از صدر اسلام است.**

- در حیدرآباد هند من خود شاهد بودم هندوها از امام حسین (ع)حاجت می گرفتند.

- برای من مدتها جای سئوال بود که چرا حضرت فاطمه الزهرا (س) که برای درگذشت پیامبر (ص) آن قدر بی تابی می کرد و تا وقتی از زبان پدر نشنید که او اولین فردی خواهد بود که به پدر ملحق خواهد شد آرام نگرفت در مورد پس گرفتن فدک اینقدر پافشاری می کرد؟

بعدها فهمیدم مشکل فاطمه فدک نبود. اصلا فدک کیلوی چند است. کل اسلام داشت تغییر ماهیت می داد و با شناختی که از افراد غاصب داشت و اهانت، تعرض و تهدیدی که از جانب ایشان می دید بر او مسجل و بر ما دیری نگذشت که دیدیم **سر علی شکافته شد، پسر بزرگ مسموم شد و حسین و زینب و دیگر یاران اسلام را یا سر بریدند یا شهید کردند و یا آواره بیابان ها کردند، بهترین نوادگان تاریخ در میدان حق علیه باطل نشکفته پرپر شدند**.

- مارکرها و کرونومترهائی که وظیفه شان ثبت حوادث تاریخی دوران خود است تعداد شان بسیار اندک اما تاثیر شان بسزا است. بطورمثال، حضرت فاطمه (ع) شبانه دفن شد (بقیع یا حجره؟ خدا می داند. من که در سفر مکه در خانه خود فاطمه در پی او بودم. دخترش زینب کبری (ع) هم سرنوشت کمتر از مادر نداشت. هنوز هم معلوم نیست قبر آن حضرت در سوریه است یا مصر؟ یا مدینه است؟ احتمال قوی در مدینه است. چه جای بهتر و آرامش بخش تر از کنار مادر؟

اخیرا نقل قولی از آقای غلامر ضا امامی خواندم که گفته بود مرحوم آیت‌الله العظمی شهاب الدین مرعشی نجفی به وی گفته بود به دلایل عقلی و نقلی من اعتقاد دارم که **مقام حضرت زینب (س) در مصر است** (مراجعه شود به نوشته من تحت عنوان یادی از غلامرضا امامی نویسنده، مترجم، پژوهشگر و سر ویراستار ایرانی در همین سایت، ۱۳۹۸). در مقابل، علت و نحوه خاکسپاری دکتر علی شریعتی که بیش از هم زینب گونه تبلیغ دین و مذهب تشیع کرد موید آن است که او فقط می توانست در زینبیه شام قرار بگیرد و لاغیر (مراجعه شود به نوشته من تحت عنوان گلایه دکتر شریعتی از خدا و جواب سهراب سپهری در همین سایت، ۱۳۹۸).



آغاز سفر کاروان امام حسین (ع) از مدینه به کربلا و پایان کار سفر کاروان اسرا از کربلا تا مدینه (پیراسته فر).

- وجود همین تردیدها ست که درجه انحراف زمامداران صدر ا سلام و بعد از آن را از ا سلام در تاریخ ا سلام به ثبت می رساند. تا بدعهدهای ایشان بر آیندگان مسجل باشد. تا مومنین بدانند در بیعت گرفتن اجباری از علی و حسن و حسین چه خبرها و پشت پرده هائی بوده ا ست. تا نگویند همه آن حضرات در روز تشییع مشارکت و مشایعت داشتند و بالاخره این غصه بر دل آنها بویژه خلیفه اول ماند که:

عجب خطائی کردیم

عجب گناهی کردیم

گناهانی بزرگتر از این کردیم

گناه را ما عسل کردیم

عسل را ما اثر کردیم

اسلام را ما بی اثر کردیم

- در عالم بیولوژی هم کرونومترهای فراوانی وجود دارند که روند تکاملی خلقت را به خوبی نشـان می دهند. در حد روزمرگی ها هم افراد، حوادث و حتی یک گفته و نوشته ای ناخواسته کرونومتری برای آیندگان می شوند.
- بعدها بر ما مسلمانان معلوم گشت که علی ذخیره دین برای ۲۵ سال بعد بود نه آن روز که خربزه آب ا ست، نفاق میوه داغ ا ست و شهوت از جنس شرقی و غربی ا ست. علی غصه خورد اما شاید اواخر عمر و بویژه از شروع خلافت خود متوجه شد او ذخیره اسلام است. کم سن و سال بودن او به مصلحت خدا و به منفعت اسلام بود.

به همین ترتیب حسن طلیعه اسلام، اسلام حسین شریعه اسلام و زینب سکینه اسلام بودند. این حوادث را از تاریخ صدر اسلام حذف کنید. اسلام مسلط غیر از این اسلام دست و پا شکسته امروز بود. غیر از این بود اسلام بعد از عثمان قابل دفاع نبود.

اسلام با خون حسین جان تازه گرفت و این خون همیشه در رگ شهدای هر قرن جاریست.

- تازه می فهم چرا امام حسین به یاران نیمه راه خود در شب عاشورا گفت اینجا کربلاست. فردا کسی اینجا زنده نیست. هرکس خواست برگردد. اما برای در امن ماندن از عذاب الهی اینقدر دور بشود تا پیام من (اسلام با تمام احکامش) به او نرسد.
- هرچه سرمایه بود در خانه و سلاله نبی اکرم جمع بود. خودش بانک وحی یوحی بود. همسرش خدیجه بانک سرمایه امت بود. علی بانک فتوحات اسلام بود. فاطمه بانک ام ابیها بود. حسن بانک صبر و حسین بانک خون انور بود. زینب بانک پیام و سجاد بانک سجده بود. باقر و صادق دو بانک علم و موسی بانک کاظم بود. رضا خود رضا بانک او هم رضا بود. امام قبل بانک نور امام بعد بود. جواد بانک محمدتقی، عسکر بانک همنام امامین عسکریین بود. در مقابل، کثیری از بی بانک ها و بی بانگ ها بودند که کارشان برداشت از حساب امامان بود. چون صبر خدا لبریز و خون امامان سرریز شد به عصر قسم دستور به غیبت بانک غیبت بود (درج در سایت شفقنا. فایل ۱۳ ذیل خبر آیا امام صادق (ع) مؤسس مذهب شیعه است؟ و لقب رئیس مذهب برای آن حضرت صحیح است؟ ۱۳۹۱/۱۱/۱۰)
- خدایا برای من روشن کن جزو کدام اصحاب امم تو هستم؟ اصحاب نوح، کهف، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد، علی، حسین... و یا در نقش کدام برگزیده تو هستم؟ ابراهیم، اسمعیل، هاجر...همه؟ بعضی؟ و یا هیچکدام؟ مثلا اگر زمان حضرت نوح بودم آیا آن حضرت مرا به کشتی نجات خود راه می داد؟ چرا می پرسم چون می خواهم به حقیقت و ماهیت وجودی خود در این دنیا و به نشانه منزل ابدی خود واقف باشم. حقیقتش بخواهی نمی خواهم در این دنیا تا زنده هستم نسیه زندگی بکنم.
- تو که گفتی که تن خاکی ما زود بمیرد، به چه ترتیب بمیرد، به سر خاک بمیرد، به تن خاک بمیرد، در یک باغ بمیرد، سر یک کوچه بمیرد، زیر یک سنگ بمیرد، زیر رگبار مسلسل به دو تکبار بمیرد، به زمین رفته و درجا بمیرد، به زبان آمده از درد بمیرد، به لب جوب بمیرد، به خر نیمه سوار نیمه بمیرد، به دمن رفته و از یاد بمیرد، به خطا بوسه کند بوسه زنان بوسه بمیرد، خس و خاشاک بمیرد، رو به دیوار بمیرد، کفنی پوشد چون شاه شهید شاد بمیرد، یاحسین گوید و از ثار بمیرد، به کدام نام بمیرد؟ به کدام راه بمیرد؟ بتواند که نمیرد؟ که تواند که نمیرد. چقدر مردن ما دست خود ماست. به همانقدر که بدانیم و بخواهیم و بکاریم و به پائیم و برانیم و بتازیم و بزائیم و. همه روی زمین زیر زمین نیست. مرگ حق مرگ عزیز است تو نکن پشت به قسمت که تو را زاده نوشتند، که تو را کار دیگر راه دیگر هست. نکند بند زمین بند زنی گیر بیفتی، زن خوب دامن توست، بی زن تو زیر بیفتد، مرده خوب زنده خوب است. زنده ترین مرده ما مرد زمان است. سرور و سالار جهان است. به تو گوید تو بمیر وقت تو و وقت دگر نیست. به تو زیستن به تو مردن چقدر خوب بیآموخت. عمر پنجاه رسید کار دگر کن، رخت دگر کن، لختی درنگ کن. وقت خوب با تو و آن روح خدا هست. ارجعی گفته نشد جز که تو آن را به یک آنی بشناسی. قلمت با قدمت یکسان کن،

تا که گفتند برویم یک قدم آزاد برو- یک قلم آباد بکن. قلمت تا به ابد دست تو باشد پسرم. بتوانی بنویسی نام من و نامه من را. که من اینگونه بمیرم که من اینگونه بمانم. همگان مرده نباشند، مهرگان مرده نباشند، منجیان مرده نباشند، مخلصان مرده نباشند. فاسقان مرده مایند که بمیرند و که نمانند. زنده یاد نام تو باشد، یاد تو باشد. به همین نقطه رسیدم که مرا نمره بیست است. به تو فردوس برین است، به تو گوید که رحیم است به من اما رحمان و رحیم است (درج در سایت بینانیوز. ذیل گزارش خبری تائید حکم اعدام رهبر اخوان‌المسلمین مصر. ۱۳۹۴/۱/۲۲ فایل ۱۴۹).

- جلوه کجا گشته ایم/جلوه خود گشته ایم/جلوه گری کار اوست/ جلوه گهی کار ماست/ بی سببی کار اوست/بی جهتی کار ماست/ جلوه ما دیدن است/ نام خدا بردن است/ کار خدا کردن است/ شکرخدا کردن است/ دست دعا بردن است/نزد خدا ماندن است/ بهتر از این نیست خدا/ واحد و یکتا خدا است/ظاهر و باطن خداست/ دولت واحد جداست/ فاصله دادیم خدا/ فاجعه دیدیم جدا/ فاصله ها پیش ماست/فاجعه ها ریش ماست/ قرب خدا این ورید/حرف خدا عنقریب/حرف خدا اول است/حرف دگر دوم است/ حرف دگر سوم است/تا که و کی چندم است/ احسن او تا کجاست/افضل ما با خداست/اشرف خلق آدمی است/ اشجع ما عالمی است/یاد حسین زندگی است/ نوع پیام زینبی است/ روح خداست آن مسیح/ ابن خدا نیست مسیح/ روح خلیل هم مطاع/ روح رسول هم مشاع/ نام خدا رهنماست/ مطلب ما مصطفی است/ کمتر از این کار ماست/ نهضت حق با خداست/ نهضت بد بی خداست/ قوم سیه جامه نیست/ ملک دگر کاره نیست/ هاتف آیات اوست/هرکه طرفدار اوست/ قوم کجا می رود/سوی دگر می رود/حرف خدا می زند/رنگ دگر می زند/ رحمت حق بر رسول/تابع حق آن رسول/راضی و مرضی خداست/جنت ما با خداست (بخشی از نظر درج در سایت بینانیوز ذیل گزارش خبری پاسخ پزشکیان به دلواپسان و مخالفان برجام مورخ۱۳۹۴/۷/۱۲. فایل ۲۳۳).

سلسله ایام "حج-غدیرخم-محرم"

(پرمخاطره ترین مسئولیت امت و امامت. سروده شد ۱۳۹۲تحت نام دلوار. همه راه ها به رم ختم می شوند. اما این راه حق است و منتهی به قیامت و رستاخیز نامه اعمال خوب و بد است. حج بی غدیر و غدیر بی محرم از چرخه های پایدار و توام با خوشی و ناخوشی است. سه ضلعی که روح می دمد و روح می گیرد. بقول مرحوم شهریار درمنظومه زیبای حیدربابا بهشت ما در شرف جهنم شدن و ذی الحجه در قاب محرم شدن است: بهشتیمیز جهنّم اولماقدادیر. ذیحجّه میز محرّم اولماقدادیر. تکرار در مقاله سفر روحانی من این سایت).

تا که به من پیام رسید

صحبت من فرا رسید

نامه نوشت به نام من

تا به سحر ندا رسید

کنج دلم گلایه است

شعر من هم کنایه است

این چه غدیری مبهم است
کوته من چکاره است

روز غدیر عدالت است
ترک غدیر خیانت است
با تو علی عدالت است
با تو نبی اصالت است

مهر علی به ما رسید
کار علی کجا رسید
آل علی نشان ماست
آل علی کجا رسید

ای تو ندا ندای من
نار بکن ندای من
دم نزنم به نام خود
نعره بکن ندای من

بیشتر از این جنایت است
کرب و بلا قیامت است
صاحب ما بغایت است
قتل فجیع کفایت است

کشته دهیم کشته شویم
تا که خدا زنده شویم
زنده ما خانه ماست
مرده کجا زنده شویم

حج خدا ساده نبود
بیت خدا تازه نبود

نیمه طواف کجا رود
کارخداست چاره نبود

یک عددی نامه نوشت
کوفه به او نامه نوشت
چون که وفای عهد ندید
خون خدا نامه نوشت

نامه برای خواندن است
یا که برای ماندن است
نامه حق به خود بدان
نامه به عهد آدم است

من چه ثنا ثنا کنم
مسئلت از خدا کنم
او که خدای رحمت است
خالق خود صدا کنم

موسم حج که سر رسد
وقت طواف من رسد
دل به خدا سرا کنم
تا که سلام او رسد

ما چقدر قلندریم
بر همه کس بلندتریم
قد تو هم قد من است
از تو چقدر بلندتریم

هرچه حرام حلال کنیم
حکم خدا ملال کنیم

ترس خدا خدا کنیم
ماه حرام حلال کنیم

دل نه خوش است به جز خدا
به بندگان با خدا
خسرو هر چه خوبی اند
دل نبرند به جز خدا

هرچه بیابند از زمین
اهل خدای این زمین
خرج خود و خدا کنند
چشمه نداده اند زمین

یاد خدایند ای خدا
مدرسه سازنند ای خدا
رسم تو دانند عاشقی
بنده عشق اند ای خدا

من چه سفر کنم خودم
توشه ندارم از خودم
هرچه نوا نوای توست
من که ندارم از خودم

مردم شب به ساحل اند
مردم کم به قایق اند
آنکه رود به عمق آب
بر همه کس ستاره اند

مانع راه من مشو
تابع ظن خود نشو

تابلو نشو اگر شدی

تابلوی بدصدا مشو

- نظر من ذیل خبر اربعین امسال در کربلا شور دیگری دارد/تصاویر. سایت بینانیوز ۱۳۹۳/۹/۲۱ فایل ۷۰. تکرار در فایل شهدا و صدیقین و...). دست مریزاد بر این سالکان راه حسین که حسین را در همه حال یار و یاور بودند. انشالله سالم و سلامت برگردند و آبروی ایران عزیز و اسلام عزیزتر باشند

خدا دوست دارد دلیران خود

بر آنکس که دارد زنخدان خود

کراهت کند مرده میدان رود

به خود جز نخواند شهیدان خود

تحیت به هر کس که دارد حسین

نماز تا ندارد ندارد حسین

نماز حاصل گفته های نبی است

کسی کم گذارد ندارد حسین

به داعش بگوئید که دین نزد ماست

امام شهیدان سزاوار ماست

به حج رفته باشید حسین نام ماست

نشان حسین از کمالات ماست

عدالت بخواهی عدالت علی است

به ما تا قیامت محمد نبی است

بهشت تا بخواهی بهشت زیر پاست

امین خدا در امان خدا است

جهالت نبی را به کشتن دهد

هر آنکس که خواهد به کشتن دهد

ابوجهل در این قصه ها دست داشت

علی را نبیند به کشتن دهد

برادر ندیدم برادر کشد

عروسک گذارد برادر کشد

خودت را عروس بیابان مکن

عدالت نباشد برادر کشد

از این پس به من آب زمزم دهید

کتابت ندارم کتابت دهید

تمام وجودم بر این آتش است

اگر گم شدم راه دیگر دهید

حج امام حسین (ع)

(تکرار در مقاله سفر روحانی من ۱۳۹۵. همین سایت)

موسم حج است به حج می رود

سرمد حق است به خط می رود

کربلا را بلا را ببین

حامل پیک است کجا می رود

خط سبز اسلام

(تکرار در مقاله سفر روحانی من ۱۳۹۵. همین سایت)

خط سیر انبیای مرسلین

اولیاء و اوصیاء متقین

خط کعبه از مدینه تا نجف

یک زمین با یک نبی

خاتم مرسل نبی

صل ما بر آن نبی

رنگ سبز دارد نبی

بوی سبز دارد نبی

هرچه داریم از بقیع است

الحسن نایب علی

زینت آل علی

باقر شهر علی

صادق شهر نبی

از نجف گویم کمی

تا بجویم من علی

یک نجف صدها نجف

یک علی صدها علی

یک صدا و صد صدا

یک علی دنیا علی

تارک دنیا علی

تابش دنیا علی

از نجف تا کربلا

کربلا ای کربلا

یاد باران بلا

من چه دانم وا کنم

سر کنم تقوا کنم

نقشه امت توئی

راضی زهرا توئی

خواهرت با ما نگفت

آنچه دید با ما نگفت

نقش اشک دارم حسین

مشک اشک دارم حسین

می روم تا سامرا

خط سیر النقی و العسگری

غیبت صغرای دل

هیبت دنیای غیب

کاظمین دروازه است

از تقی و کاظم است

از عراق هم می روم

بصره تا مرو می روم

تا به مشهد می رسم

خط مولایم رضا

راضی دنیا رضا

السلام و السلام

بر تو ای راضی رضا

این چنین است خط عشق

این چنین است خط فکر

هرچه باران خط سیل

خط باران خط فعل



خط سیر سبز اسلام: مکه-مدینه- نجف-کربلا-سامرا- مشهد.

شاخه های مثمره شجره طیبه عالم خلقت

از مدینه تا مشهد باور کنم

خط سبز مصطفی باور کنم

مکتب حسین

(سروده شد صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۱۰)

در مکتب یاحسین

ما یاحسین نگفتیم

ما با حسین نگفتیم

چون از حسین نگفتیم

ما یک حسین نگفتیم

هذا حسین نگفتیم

هر جا حسین نگفتیم

هر بار حسین نگفتیم

جانم حسین نگفتیم

مالم حسین نگفتیم

راهم حسین نگفتیم

نازم حسین نگفتیم

از ترس جان نگفتیم

از ترس مال نگفتیم

یادا حسین حسین است

با ما حسین حسین است

این یادمان عشق است

در ما فرات عشق است

در تو فلات عشق است

نام آوران حسین اند

یادآوران حسین اند

سرحد ما حسین است

سر وقت ما حسین است

اهریمنان بدانند

هم میهنانان بدانند

شاهد به ما حسین است

مقصود ما حسین است

ثار خدا حسین است

کار حسین حسین است

صف می کند به عالم

صف می زند به عالم

تا جان تکان نبیند

مالی زمین نریزد

هرکس حسین حسین گفت

خونش حسین حسین گفت

مالش حسین حسین گفت

احوال ما حسین است

اقوال ما حسین است

انعام ما حسین است

اعلام ما حسین است

چون رهنما حسین است

گوید بمان بمانیم

گوید بخوان بخوانیم

دور است به خود بگوئیم

باری زمین بمانیم

آب را به حق ندادند

حق را به آب ندادند

حق را به بخس ندادند

روحی فدای راوی

هر روز ندای راوی

حسینم نشسته

(هشتم محرم برابر با ۲۱ آبان ۱۳۹۲ این قطعه شعر سروده شد. دو سال بعد تغییراتی در بعضی ابیات آن داده شد)

دلم را بد شکسته

حسینم بد نشسته

مگر دستم شکسته

حسینم را شکسته

حسین بالا نشسته

حسین والا نشسته

به ما کمتر شکسته

کمی کمتر شکسته

بگو باران بیآید

مرا نالان ببیند

که شاید غم شکستم

که شاید بد شکستم

به شهر بالا بلا نیست

به جز کرب و بلا نیست

اگر گفتم خطا نیست

حسین تنها نشسته

به من از حق نگوئید

به من از من نگوئید

بگو خفتید نخفتید

بگو از من نخوردید

چرا حق را شکستید

چرا خط را شکستید

چرا سد را شکستید

به ما ماضی چنین بود

به ما راضی چنین بود

به بعد هم این چنین است

حسین جائی نشسته

کز او فرمان شکسته

دلم دیگر نمیرد

صدا در من نمیرد

که من سردار عشقم

که عشق هرگز نمیرد

من اینک ببالم به عشاق عشق

به دستان عباس سقای عشق

اگر من بمانم بمیرم به عشق

چه بهتر بمانم بمیرم به عشق

تو را تن سیاهی نبود

سیاهی به جز نام دشمن نبود

سیاهی پیام است بدانی که تو

به ظالم نه گفتی بگفتی که تو

لباس سیاه هم سپاه من است

ببوسی بپوشی لباس من است

وگرنه لباست لباس غم است

اگر من نگویم لباس دم است

ندزدی سیاهی لباس من است

بدزدی سیاهی سیاه من است

به خود تا نمیری

به ما تا نبینی

تو هل من کجائی

تو هل من ندانی

کسی مانده بر یاد من یار من

که دائم بگوید علمدار من

بساطی است در روز اعدام عشق

حسابی است در روز اعلام عشق

کجا گفته باشند چنین روز عشق

کتابی است در روز اظهار عشق

حسین و دین

(تاریخ سرایش۱۳۹۲)

بخوانم شعر خود شعر حسین است

به من تا این حسین یک کار نیک است

لباس بر تن کنم این کار دین است

حسین بر سر کنم این شال دین است

سئوال از خود کنم این فال نیک است

کتاب ازبر کنم این فضل دین است

حسین درحصر کنم بر ضد دین است

حسین دعوت کنم با حکم دین است

حسین فرمان دهد فرمان دین است

حسین تا خود کنم این کل دین است

کربلا

نام زمین کربلاست

نای زمین نینواست

یادحسین یا حسین

آه زمین کربلاست

زینب کبری

(ما رأیتُ الا جمیلاً – جز زیبا ندیدم)

مسجد کوفه به شب مانده است

هرچه شبیه است به شمع مانده است

زینب کبری به ما گفته است

بس که جمیل است به جمع مانده است

کربلا نقشه نجات

(از زبان امام شهید. سروده شد روز عاشورای حسینی ۱۲ آبان۱۳۹۳. عصر همان روز با اندکی تغییر در سایت بینانیوز ذیل خبر مراسم عزاداری سالار شهیدان در نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد انتشار دادم. این اولین نظر من در آن سایت پس از برگشت از سفر حج بود. فایل۵۷ + تکرار فایل شهدا و صدیقین۹۵ همین سایت).

سر من کاسه خون است

دل من منبع نور است

تن من جامه دین است

لب من تشنه آب است

چقدر راه بلا شد

چقدر کرب و بلا شد (کرب و بلا)

به من هم خون حلال شد

به حسین خون عزا شد

همه جا صحبت او بود

همه جا نامه او بود

خطبا در پی او بود

شهدا شاهد او بود

همه ماه ماه محرم

همه مرد اصغر و اکبر

همه جان جان ابوالفضل

همه شرح سینه زینب

سر عزت سر ما بود

پی آدم پی ما بود

به همان قبله عالم

حرف ما حرف خدا بود

من امام شهدایم

شهدا جنب خدایند

اسرا عصر خدایند

ضعفا خون خدایند

کل شهر شاهد ما

کل یوم نوبت ما

کل ارض داور ما

کلهم یاور ما

به یزید جمله نگفتیم

به امان، نامه نگفتیم

به خزف مهره نگفتیم

مرد و زن را چه نگفتیم

منم آن ثار خداوند

منم آن وارث آدم

چه بلا نقشه عالم

کربلا چاره عالم

قیام عاشورا-پیام عاشورا

(سروده شد صبح روز عاشورا بعد از اقامه نماز. ۲ آبان۱۳۹۴)

به محض بلند شدن از خواب اشعاری به ذهنم خطور می کرد که راجع به خنده بود! دلیلش را نمی فهمیدم. بعد از نماز هم هنوز ابیات، ابیات خنده بود (روز ملاقات به من خنده کرد/روز ندامت به من خنده کرد/ تاج سر من به من خنده کرد/ زیر سر من به من خنده کرد/سعد فراموش به من خنده کرد/صحبت دیروز به من خنده کرد/ نصرت امروز به من خنده کرد/وقت گلستان به من خنده کرد/روز عزا شد به من خنده کرد/فتنه عیان شد مرا خنده کرد/مرده نهان شد مرا خنده کرد/ لقمه حرام بود مرا خنده کرد/تازه شهر بود مرا خنده کرد/ریشه بی نور مرا خنده کرد/ پیشه بی روح مرا خنده کرد/سنگ فراموش مرا خنده کرد/سبک نیندوز مرا خنده کرد/جنگل مولاست مرا خنده کرد/موجب مردار مرا خنده کرد/هرکه فراموش مرا خنده کرد/ خنده تر از من مرا خنده کرد و.. هرکه نخندید بگو آفرین/هرکه نیآسود بگو آفرین/خنده نشان است بگو آفرین/خنده نیاز است بگو آفرین/بر تو نخندند بگو آفرین/با تو بخندد بگو آفرین/جمع ادیبان بگو آفرین/جمع کریمان بگو آفرین/غم بزداید بگو آفرین/خش که ندارد بگو آفرین/..).

با همه این اوصاف شروع به نوشتن کردم. نظم بلندی شد. اما نمی دانستم چگونه اینها را به هم ربط بدهم! تا اینکه مواردی بر ذهنم در تایپ این سروده گذشت که دیدم شعر بامعنائی شده است. حذف و اضافات را تمام کردم. از پشت کامپیوتر بلند شدم نماز ظهر را که خواندم. طبق سنت سالهای قبل زیارت عاشورا و زیارت وارث را بین دو نماز خواندم.

در زیارت عاشورا به این دو فراز رسیدم: اَللّهُمَّ اِنَّ هذا یَوْمٌ تَبرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ وَ ابْنُ آکِلَةِ الْاَکبادِ اللَّعینُ ابْنُ اللَّعینِ عَلی لِسانِکَ وَ لِسانِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ- خدایا این روز، روزی است که آن را بنی امیه و پسر آن زن جگرخوار

(معاویه) و یزید پسر آن ملعون بر زبان تو و زبان پیامبرت که درود خدا بر او و آلش باد مبارک و میمون دانستند. وَ هذا یَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِیادٍ وَ آلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَیْنَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ- و این روز، روزی است که شادمان شدند به این روز دودمان زیاد و دودمان مروان بخاطر کشتنشان حضرت حسین صلوات اللّه علیه را!!).

تازه فهمیدم این گل واژه های نامربوط خنده صبح بابت چه بوده است. خنده های آل ابوسفیان و آل زیاد و آل مروان بوده است. خنده های ژنهای پلید تاریخ بوده است. خنده هائی که مختار ثقفی پس از ۵ سال آنها را به گریه و مرگ تلخ واداشت. از شمر گرفته تا عمرسعد و ابن زیاد و حرمله و نادانانی چون شرحبیل که از پشت سر امام سیلی به صورت مبارک و منور امام حسین (ع) زده بود (او را به آتش سوزاند تا قیام قیامت بسوزد) و خولی کسی که سر مبارک امام را بر نیزه کرد و گوشواره از گوش زنان کند (کشته او را در آتش انداخت و خاکسترش را بر باد داد).

حتی یاران تا تاسوعای امام هم نفهمیدند و پیغام را نگرفتند که "من بیعتم را از شما برداشتم و به شما اجازه می‌دهم تا از سیاهی شب استفاده نموده و از این محل دور شوید. هر کدام از شما دست یک تن از اهل بیت مرا گرفته و در روستاها و شهرها پراکنده شوید، تا خداوند فرج خود را برای شما مقرر فرماید. این مردم، مرا می‌خواهند و چون بر من دست یابند با شما کاری ندارند".

هر که نخوابید به من خنده کرد — هرکه نترسید بگو آفرین

هرکه بیآسود به من خنده کرد — خنده تلخ است بگو آفرین

جمله عالم به من خنده کرد — مژده سخت است بگو آفرین

رنگ دل آزار به من خنده کرد — خنده زیبا به از زین خوب

روز ندا شد به من خنده کرد — ریشه زیبا به از ریش خوب

موسم حج شد به من خنده کرد — طالع آدم به هم رفته است

صورت زیبا مرا دید و رفت — مردم دانا به ما رفته است

فکرت فردا مرا دید و رفت — ساحر موسی به خاک رفته است

فصل گذار است بگو خنده کن — رنجش آدم به ما رفته است

خنده درد است بگو خنده کن — نهضت بیدار کجا رفته است

هرکه نخندید بگو آفرین — صنعت دیگر کجا رفته است

رفته آدم کجا رفته است

خیل فراموش کجا رفته اند

حیدر کرار کجا رفته است

میل فراموش کجا رفته اند

زینب کبری کجا رفته است

هرچه سوار است بگو رفته است

مهر برادر کجا رفته است

هرکه اسیرست بگو مانده است

وارث آدم کجا رفته است

شام و خرابت به ما مانده است

اصغر و اکبر کجا رفته است

سینه ماتم به ما مانده است

پرچم اسلام کجا رفته است

روز مبادا به ما مانده است

مهر بدخشان کجا رفته است

سینه ماتم کجا منتهی

مردم احرار کجا رفته اند

سینه ناهی کجا منتهی

حر ریاحی کجا رفته است

آدم بدکار کجا ماندنی

هرکه جمال است بگو رفته است

پشت نکردند مگر بر خدا

هرکه جمیل است بگو رفته است

مشت نخوردند مگر از خدا

صبر جمیل هم بگو رفته است

قهر خدا بود بر ایشان رسید

اجر جزیل هم بگو رفته است

مشت خدا بود به ایشان رسید

مادر کوثر بگو رفته است

هرکه بر آشفت بگو با خداست

کوثر مادر بگو رفته است

هرکه نیآشفت بگو بی خداست

حضرت مولا بگو رفته است

کارحسین کرد بگو با خداست

روز تماشاست بگو رفته است

روز خدا کرد بگو با خداست

پرچم دین است بگو رفته است

زور خدا زد بگو از خداست

خلق محمد به او رفته است

صبر خدا کرد بگو تا خداست

آیه قرآن به او رفته است

هرچه نشان است بگو از خداست

با تو نشان است بگو از خداست
آدم خاتم بگو یاحسین

آخر آخر بگو او خداست
دین خدا بود به او زنده شد

ناهی منکر بگو از خداست
آل عبا بود به او زنده شد

آمر معروف بگو با خداست
اشجع آدم به او زنده شد

لطف خدا بود حسین آفرید
اطهر آدم به او زنده شد

زینب کبرا به ما آفرید
ماه محرم به او زنده شد

ساجد مولا به ما آفرید
مسلک آدم به ما زنده شد

ده شب شورا به ما آفرید
پرده عالم به ما گفته شد

تا که بدانیم حسین با خداست
اشهد دیگر به ما گفته شد

تا که بدانیم حبیبش خداست
مذهب عالم همین یک چراغ

حصر وراثت همین است و بس
مکتب آدم بگو چلچراغ

ضامن دنیا همین است و بس
سیرت زیبا بگو سیرت است

عالم و آدم بگو یاحسین
حیلت زیبا بگو حیلت است

کامل آدم بگو یاحسین
هرکه بداند بگو عزت است

وارث آدم بگو یاحسین
هر که نخواند بگو ذلت است

حارث آدم بگو یاحسین
عزت آدم به وقت ماندن است

مکتب آدم بگو یاحسین
ذلت آدم به سخت ماندن است

مذهب آدم بگو یاحسین
روضه دیگر کجا مانده است

خاطر آدم بگو یاحسین
ناله دیگر کجا مانده است

خانه آدم بگو یاحسین
راه حسین رفت حسین کرده است

اول آدم بگو یاحسین
کار حسین کرد حسین کرده است

در دم دمای صبح

(چهارمین سحر ماه مبارک رمضان ۱۳۹۱ برابر با سوم تیر۱۳۹۱ حرف دل من در قالب شعر در پاسخ به دو بیتی قبلی خودم "صبح به صبح به خدا سلام کردم/در نماز صبح به خدا سلام کردم/.. سروده شد. بخشی که با فونت قرمز نشان داده شده است در سایت شفقنا فایل ۱۱ عنوان ویدئو قبر معاویه ۱۳۹۱/۱۱/۹درج شد).



به دم دمای هر صبح — یک سلام ویژه کردم

به دم دم دمای هر ظهر — به علامت ظهورش

به شبی که یاد دم بود — به سلامت حضورش

شب من خراب دم بود — به سلام خودسر خود

به خدا سلام کردم — به عزیز مادرش من

یک سلام ویژه کردم — یک سلام ویژه کردم

به خدا سواره دیدم چو خدا نشانه دیدم — همه در وجود خود بود

به زمین اشارتم بود چو خدا پیاده دیدم — همه آنچه در ورا بود

مگر از خدا چه دیدم — چو قدومش آشنا بود

به دم سحر رسیدم — به حضور با نشانش

به دمی که هر سحرگاه — یک سلام ویژه کردم

به تمام تازه دم بود — همه مادران عزیزند

دم دم بازدم بود — همه عاشقان پری اند

به خدا سلام کردم — همه در همام ولی اند

همه در ولا علی اند — مادرش ام ابی است

به پری نواده دادند — پسرش ساجد دین است

به غریب شناسه دادند — به دو فضل یاد حسین است

چو علی اطاق فکر بود — یک امام وارث خون است

بخدا خدای فکر بود — یک امام قائم دین است

به حضور انورش من — همه در نور غریق اند

یک سلام ویژه کردم — نه قدم جلوتر از او

به سما ستاره دیدم — نه قدم عقب تر از او

به علی حماسه دیدم — به هزار سال و اندی قدمت

چو علی پیاده دیدم — به خدای کرب و کعبه

سر دین جنازه دیدم — به حسین و یاحسینش

حسنین وارث دین اند — یک سلام ویژه کردم

- نماز فرادی برای خودسازی فردی و نماز جماعت درجهت خودسازی جامعه است. یک مومن نیازمند حضور در هر دو نماز است. بدون هم نه نماز مقبول است و نه جامعه اصلاح می شود. نماز حضرت سیدالشهدا در صحرای کربلا نماز شهادت و نماز حفظ شعائر اسلامی بود که این به تنهائی فوق همه نمازها است. جانم فدای امام.
- امام حسین (ع) نماز اول وقت ظهر عاشورا را ترک نکرد چون نماز آخر او متفاوت از شام آخر عیسی (ع) بود. تاسوعا و کربلا، صحنه جهانی برای سرودن نغمه های آسمانی بود. او در آن ایام مبارک و سرنوشت ساز چندین نغمه جاودانی را برای عبرت ما، دقت ما و مسئولیت ما به یادگار گذاشت:

۱. نغمه خدا"فتبارک الله احسن الخالقین" (آیه ۱۴ مومنون) و مکمل آن "فتبارک الله رب العالمین" (آیه ۶۴ غافر)"،
۲. نغمه "کل الیوم عاشورا و کل الارض کربلا"،
۳. نغمه إن لَم یَکُن لَکُم دینٌ و کُنتُم لاتَخافونَ المَعادَ فَکونوا اَحراراً فِی دُنیاکُم؛ اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، لااقل در دنیای خود آزاده باشید.



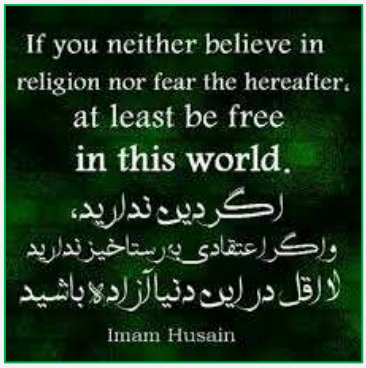



- در بازخوانی نغمه خدا، فرشتگان بی هیچ گلایه ای به آستان خدا و مخلوق معزز او سجده کردند. شیطان اگر هم سجده نکرد رجز هم نخواند (که من از آتشم و...). دیگر قهرمانان کربلا هم نغمه های جاویدان خود را خواندند. نغمه نورانی و بارگاهی بانو زینب "ما رایت الا جمیلا" بود. روز پس از ظهر عاشورا، بسیاری تلاش کردند آن نغمه ها را بازخوانی کنند و برای نسل های خود بازآفرینی کنند..

ما رأیتُ الاّ جمیلاً

(پاسخ زینب به ابن زیاد در کاخ و دارالاماره کوفه وقتی ابن زیاد از آن حضرت پرسید: کَیْفَ رَاَیْتِ صُنْعَ اللهِ بِاَخیکِ»؟ کار خدا را با برادرت چگونه دیدی؟ حضرت زینب (س) فرمود: ما رأیت الا جمیلا، هؤلاء قوم کتب الله علیهم القتل فبرزوا الی مضاجعهم...– من جز زیبایی ندیدم، جمعیتی بودند خدای متعال شهادت را بر آن ها نوشته بود و آن ها به شهادت رسیدند).

در محرم نام مردان می برند

اشک و ماتم را به یغما می برند

ما رأیتُ الأجمیل

با تو زینب تا قیامت می برند

در این بین برای من و یقینا برای خیلی ها ۴ نغمه بیش از همه ماندگار شدند:

۱. نغمه محتشم کاشانی"باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است/ باز این چه شور است که در خلق عالم است"،
۲. نغمه دکتر علی شریعتی"هر انقلابی دو چهره دارد: چهره اول خون و چهره دوم پیام. آنهائیکه رفتند کار حسینی کردند و آنهائیکه ماندند باید کار زینبی کنند و گرنه یزیدی اند" و
۳. نغمه شهید آیت الله محمدباقرحکیم در خواندن زیارت عاشورا. در یکی از ظهرهای عاشورای عراق، او در بالای منبر اینقدر در صحنه عاشورا باقی ماند تا خود عاشورائی شد و این شد که بناگاه عمامه از سر برانداخت و سر مبارک را میدان ضربات مشت خود کرد. او یاد حسین و یاران کرد و من یاد یاد همه برگزیدگان از جمله یاد حال همام و کمیل (درج در سایت شفقنا ذیل مطلب عاشورا در رسانه های اموی. مورخ۱۳۹۱/۱۲/۵ فایل ۳۵).

۴. نغمه ائی که محرم ۱۴۰۰ به صورت ویدئو کلیپ از کشیش کریستوفر دیدم (ضمیمه این فایل). او مولف دو کتاب بنام های ۱) زندگینامه حضرت فاطمه زهرا (ع) و ۲) کتاب نیمه قلب من است. عنوان کتاب دوم از کلام خود خانم زینب است وقتی که آن حضرت بالای سر جنازه مطهر امام حسین (ع) آمد و خطاب به برادرش فرمود: **نیمه قلب من (half of my heart)**. کریستوفر در این ویدئو در شگفت است که چرا درباره این دو بانو که در برقراری و صیانت از اسلام، حق بزرگی بر گردن مسلمانان دارند، کتاب کافی ننوشته اند. بقول ایشان **ایشان زنان خارق العاده هستند. از تاثیرگذارترین زنان عالم اسلام هستند. زینب چون حسین است. فراتر از همه مرزهای دینی–سیاسی است. او الگوی جهانی برای همه ماست.**

در این ویدئو آقای کریستوفر اظهار می دارد حضرت زینب در سه جا کم آورد: **وقتی شنید لشکر سپاه اعزام شده است، وقتی از امام حسین شنید همه یاران او شهید می شوند، و وقتی خواب پیامبر (ص)را دید که ایشان را به سوی خودش فرا می خواند. اما با شگفتی می گوید در روز کربلا و میدان نبرد زینب کاملا متحول شد.** این را در منابع اهل تسنن و اهل تشیع موجود است. زینب (س) در میدان نبرد مثل خورشید می درخشید (جالب است ویکتور هوگو هم در شعر سال یازدهم هجری خود (مراجعه شود به مقاله سال یازدهم هجری: اثر ویکتور هوگو، ۱۴۰۰ در همین سایت) می نویسد: وقتی فرشته مرگ وارد شد در نگاه پیامبر درخشیدن گرفت، همانند نوری که روز میلاد در چشم‌هایش داشت (With the same clarity as on the day of We then saw his eyes light up;his birth).

زینب (س) در همین یک روز کربلا، سه بار از خیمه بانوان وارد میدان نبرد شد:

۱. وقتی علی اکبر زمین افتاد،
۲. وقتی کودکی برای یاری عمویش حسین به سمت میدان دوید،
۳. و بالاخره وقتی امام حسین (ع) به شهادت رسید و او سراسیمه بالای سر وی حاضر شد.

- در منابع ایرانی نوشتند: **امام حسین (ع) به او سفارش کرد بعد او کاری نکنند که دشمن شاد باشد.**

اما من در بالا متذکر شدم هر دو ایشان دارای دو پیام/دو فرمان منحصر بفرد خود بودند. از پیام حضرت زینب (س) رونمائی نمی شد مگر با شهادت امام و برادر و وارث پیامبرش. ورود او به صحنه نبرد او را برای رهبری کاروان آماده تر کرد. انرژی مقاومت و ایستادگی و غرور به او تقدیم شد که فقط او می توانست از آن برخوردار باشد.

بی دلیل هم نیست اولین حرفی که بر زبان راند فرمود: ما رأیت الا جمیلا –من جز زیبائی نمی بینم. **یعنی دشمن از این ببعد با من طرف هستی. با زینب بن علی. زینب بن فاطمه. زینب بن رسول الله. زینب بن خدیجه الکبری.** کاروان حسین سر را بالا نگهدارید که اسلام را سربلند کردید. دین را احیا کردید. خون را بیمه کردید. خطابه را شمیشر کردید. یزید و آل یزید را از زندگی ساقط کردید.

- خداوند همه نااهلان و نامردان کربلا و کوفه را لعنت کند. نفهمیدند چرا امام حسین (ع) شب عاشورا فرمود: از اینجا اینقدر دور شوید تا صدای من به شما نرسد. زیرا از سرعت غضب خدا آگاه بود. مردم بندرت شاهد غضب سریع خدا بوده اند.

طبق برآوردها از ماهیت زمان در دنیای چهار بعدی، هر روز فرازمین مساویست با ۱۸۲ سال و ۷ ماه زمین! اما در مصیبت کربلای معلی خداوند طبق ساعت زمین عمل کرد! لذا هم **سریع الحساب بود و هم سریع العذاب**. بارها ما انسانها تجربه کرده ایم که انتقام خدا به نظر دور اما نزدیک است. چون خود می فرماید "ان ربک لسریع العقاب" (آیه ۱۶۷ سوره الاعراف).

انتقام خدا از نقش آفرینان خونین کربلا:

شاید یکی از سریع ترین و ریشه کن ترین انتقامهای خدا درباره امام حسین (ع) باشد. قرآن از این عذابها بعنوان عذابهای نزدیک یاد می کند (الْعَذَابِ الْأَدْنَى. سوره سجده آیه ۲۱).

سال ۶۱ هجری قمری واقعه کربلا رخ داد.

۱. عمر سعد به حکومت ری نرسید. او که با ۴۰۰۰ سپاهی در بیرون کوفه اردو زده و آماده حرکت به سوی ری بود. بدستور عبیدالله بن زیاد روانه کربلا شد تا پس از پایان این ماموریت به ری برود. او برای رساندن سر مبارک امام علیه السلام به ابن زیاد تلاش زیادی کرد. از او خواست رکاب او را از نقره و طلا پر کند. زیرا مدعی بود:"من برترین آقا را کشته ام. کسی که از نظر نسب بهترین انسان هاست کسی را کشته ام که برترین پدر و مادر را دارد".ابن زیاد سخن او را نپسندید و گفت: اگر حسین را چنین می شناختی، چرا وی را به شهادت رساندی؟ به خدا سوگند تحفه ای از سوی من به تو نمی رسد.. بدین ترتیب اولین انتقام خدا از عمرسعد گرفته شد. مجازات دو او کشته شدن بدست مختار وسوزندان بدن او بود (پرسمان،۱۳۸۷

۲. یزید سه سال بعد از حادثه (۶۴ ه.ق) به درک واصل شد (کل حکومت او کمتر از ۴ سال بود. شهادت دو امام معصوم بارزترین جنایات بشری دوره زمامداری او بود).

۳. ۵ سال بعد از واقعه کربلا یعنی سال ۶۷ ه. ق. با قیام مرحوم مختار ثقفی همه ژنهای پلید تاریخ درگیر در جنگ بزرگ تاریخ برای مدتی از روی زمین محو و نابود شدند **و آل رسول برای اولین بار پیراهن مشکی خود را از تن مصیبت دیده خود در آورند**. چقدر باید روزهای بعد از عاشورا بر اهل بیت سخت گذشته باشد و چقدر باید خدا و ملکوتیان نظاره گر ظهر عاشورا حسین و یاران با وفایش را دوست داشته باشند که محرم را، کربلا را، عاشورا را، الهام بخش قیام ها را....بنام ایشان بکنند.

- دو بیتی که در حیدرآباد هند سروده شده است و در مطلع متن زیر آمده است:

به عزی که امامش
علی مرتضی اش
حسین جان نثارش
نگاشتند بر جهانش



حماسه سازان واقعه کربلا

(سروده شده صبح روز ۱۳۹۵/۷/۱۵)

خدا در آسمان کار دگر کرد
خدا از راحمین رحم خدا کرد

خدا در کاروان کار دگر کرد
علی اکبر شبیه انبیا کرد

حسین را با بلا کرب و بلا کرد
علی اصغر شبیه اوصیا کرد

حسن را با حسین صید خدا کرد
حبیب را در مظاهر مرد خود کرد

نبی را شاکر روح خدا کرد
زهیر را در منازل مثل خود کرد

علی را شاهد خون خدا کرد
یکی زینب نبود او را صدا کرد

فرات را خون جگر در آب خود کرد
یکی کوثر نبود کوثر صدا کرد

سقا را مظهر مرد خدا کرد
همه درحال خود در کار خود کرد

زمین و آسمان اشک خدا کرد
همه ارکان حق دربان حق کرد

حسین را وارث خون خدا کرد
ابوالفضل نام نیک هم فضل خود کرد

حبیب بندگان مست خدا کرد
شهیدان را خدا هم خوان خود کرد

حزین غصه ها در غنچه ها کرد
پلیدان را خدا بدنام خود کرد

به عصر دیدم خدا عصر خدا کرد
به کَیِّس نامه دیگر عطا کرد

به ظهر دیدم خدا وصل خدا کرد
عطا را آن مقام مختار خود کرد

امان از روزها روز خدا کرد
کجا دیدیم سریع اینجا خدا کرد

زمین کربلا ارض خدا کرد
به قدر عافیت این را خدا کرد

خدا از ساجدین رفع بلا کرد

- پس از سفر حج و مشاهده آسمان اسلام در سرزمین وحی فهمیدم هیچ فردی نباید جایگزین خدا، هیچ مراسمی جایگزین طواف کعبه و هیچ کتابی جایگزین کلام الله مجید باشد. همه مراسم های مذهبی ما باید در راستای همان

مناسک حج باشد الامراسم عزاداری برای ائمه اطهار و بویژه امام حسین (ع) که خط جهادی اسلام را نمایندگی می کنند.

گناه است کتاب خدا را بگذاریم کتاب دعا بر داریم چه کتاب خدا غذای اصلی و کتب دعا دسر این سفره هستند. دسر شکم پر نمی کند و دعا روح را پرورش نمی دهد. صیقل می دهد اما حیات نمی دهد.

این کتاب خداست که کلمه کلمه به ما درس زیستن در این دنیا و دنیای باقی را یاد می دهد. ختم قرآن بخصوص برای من غیر عرب زبانها برای کسب ثواب بیشتر بزرگترین ظلم برای رشد یک انسان موحد است. ندیدن خدا و دیدن کیسه ثواب است! اساسا هر اقدام معنوی برای ثواب مایه بدبختی و مظهر جاهلیت است.

انسان موحد اگر حج کرد باید برای نکوداشت محی اسلام سفری به کربلا کند که ایمان او کامل بشود.

پیام امام حسین (ع) به حضرت زینب (س) در واپسین لحظات عمر خود

- مدتی بود که آقایان خیلی روی این موضوع اصرار می ورزیدند که حضرت امام سجاد (ع) در کاروان اسرا نقش و رسالت امامت خود را به خاطر بعضی ملاحظات و تهدیدات مخفی گذاشته بود ولی در پشت پرده حضرت زینب (س) دستور را از ایشان می گرفت! بنظر من القای این تفکر خطای فاحش و جفا به هر دو عزیز دردانه اسلام است. حضرت سجاد در روز واقعه ۲۰ سال و حضرت زینب ۵۵ سال داشت.

همه می دانیم رسالت ابلاغ و ترویج پیام با حضرت زینب بوده است. او یک زن معمولی نبود. حامل همه ژنهای برتر و وارث همه برتریهای خونی پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین بود. نطق های او به اعتراف ابن زیاد ملعون چون پدر دارای سجع و قافیه بود. او کار خود، امام سجاد، کار خود و خدای ایشان، کار عالم را کرد. **او مقام زن، خواهر، مادر را در اسلام معنا بخشیده است.**

اینکه می گویند امام حسین (ع) به او سفارش کرد بعد او کاری نکنند که دشمن شاد باشد مخاطب او نه حضرت زینب که طفلان معصوم بود. زینبی که در کربلا جز زیبائی نمی بیند پس خطای استراتژیک هم نمی کند.

– در مورد حضرت علی اکبر برادر بزرگ امام سجاد هم که در روز عاشورا حدودا ۲۰ سال سن داشت (امام سجاد دو سال از او کوچک تربوده است و به اعتراف معاویه شایسته ترین فرد به حکومت پس از امام حسین بود این مسئله صدق می کند. آن بزرگوار **شبیه ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله بود (اَشبهُ الناس خَلقاً و خُلقاً و منطقاً برسول الله).** زیباترین جوان بین هاشم و شبیه ترین به پیامبر وقتی از پدر اجازه میدان خواست امام حسین (ع) رو به خدا کرد و گفت **خدایا خودت می دانی که وقتی ما مشتاق دیدار پیغمبر می شدیم، به این جوان نگاه می کردیم.**

معاویه هم به شایستگی او اعتراف می کرد. او را خلف شایسته امام حسین می دانست. اما مشیت خدا بر ادامه امامت بواسطه **امام زین العابدین بود.** آن امام همام باید در صحنه عاشورا مریض می شد تا امامان باقر و صادق و.. از ذریه او امت اسلام را هدایت می کردند و نیز شیعیان آن حضرت امروز صاحب کتاب نیایش صحیفه سجادیه می شدند.

کتابی که چون قرآن و نهج البلاغه غریب کتاب مفاتیح الجنان است. (امام سجاد دو سال ظاهرا از او کوچک تر بوده است.

امام حسین علیه السلام به دلیل شدّت علاقه ای که به نام پدر بزرگوارش داشت، نام سه فرزند پسرِ خود را علی گذاشت: اولی به علیِ اکبر (بزرگ تر)، دومی به علیِ اوسط (میانه) و سومی به علیِ اصغر (کوچک تر) معروف شدند).

- خون و پیام حسین (ع) تا دنیا هست برای آزادگان الهام بخش و بلکه نجات بخش و برای دشمنانان و مصلحت اندیشان همواره آزار دهنده است. در خبرهای ۶ خرداد ۱۳۹۴ آمده بود سخنگوی وزارت دفاع آمریکا شب گذشته از انتخاب اسم رمز لبیک یا حسین (ع) برای عملیات آزادسازی استان الانبار عراق انتقاد و تاکید کرده بود که این اقدام باعث افزایش اختلافات قومی مذهبی می‌شود!! ظاهرا منابع نظامی عراق هم به تاسی از این یا آن حرف نام رمز عملیات آزادسازی استان سنی‌نشین الانبار عراق از "یاحسین" (ع) به لبیک "یاعراق" تغییر داده بود!! هر چند فرمانده سپاه بسیج دیروز ۱۳۹۴/۶/۱۲در تلویزیون بی بی سی موکدا تاکید کرد که اسم رمز تغییر نمی کند.

آدم متاسف می شود به وجود این جهالت و تعصب بیجا و بدتر از آن ماندن در آن!

این حسین ثارالله است. اهل ایران نیست. عرب است. شیعه و سنی هم نیست. فوق این دو است. رمز اسلام است. پرچم خونین اسلام است. وارث آدم است. وارث ژن پاک هابیل است. سالار شهیدان اسلام است. سید شباب جنه است. نوه پیامبر است. سفینه نجات است. یکی از پنج تن اهل کسا (عبای پیامبر) در روز مباهله با مسیحیان نجرانی است. نشناختی ازخدا بپرس، نه از تاریخ بپرس، از امثال مهاتما گاندی بپرس! باز نشناختی از هندوها، مسیحیان و زرتشتیان هند و اقلیت های دیگر نقاط دنیا که با نام و یاد او آشنا هستند بپرس. اما اگر باز گفتی نمی شناسم خواهم گفت از خودت بپرس. نوبت توست با نوادگان مسیحیان نجران مباهله کنی. برای این کار با حسین معامله بکن.

خوب تقصیر تو نیست اسلام از یاد همه ما رفته است. دو گردان تشکیل بده یکی را بنام خدا و با رمز "یاحسین" روانه مبارزه با داعش بکن و گردان دیگر را با رمز "یاعراق". البته انتخاب افراد نفرات هرگردان با خود داوطلبین باشد. روز بعد نتیجه اش را به مردم عراق گزارش کن. ننوشتم به دنیا گزارش کن چون دنیا با این رمزها آشنائی کامل دارد. معجزاتش را بارها تجربه و در اطاق های فکر خود مطرح کرده اند.

معجزه حسین کربلاست. نقاشی آن با خداست. بگوئی "یاعراق" نسب ساز است بگوئی "یاحسین" سبب ساز است. خدا با خاک کار ندارد با انسان روی خاک کار دارد. خاک را دوست بدار و به بزرگان خاک خود احترام بگذار. هرچه بزرگتر احترامش بیشتر. هرچه به خدا نزدیکتر جوارش معجزتر (درج در سایت شهیدنیوز مورخ۱۳۹۴/۳/۱۳).

- عبرت از تاریخ یعنی عبرت از اعمال گذشتگان در برابر امتحانات جورواجور خدا. سطح و حد امتحان من و تو در حد کلاس اولی هاست و امتحان آدم و حوا، ابراهیم و اسماعیل، یونس و موسی، علی و حسین و زینب بزرگ در بالاترین سطوح (سوپرکلاس) می باشد. درعین حال امتحان، امتحان است و بی امتحان هم قیامت برپا نمی شود. و قیامت هم صحنه اعلام نتایج است ولاغیر! (بخشی از نظر من در سایت شفقنا ذیل مقاله فرق بین امتحان الهی با امتحانهای معمول در نزد انسانها–علامه طباطبائی. مورخ۱۳۹۱/۱۲/۱۷. فایل ۵۰)

- **و باز چند نکته ائی درباره دو شخصیت بسیار مهم و تعیین کننده در واقعه عاشورا: حضرت زینب و حضرت ابوالفضل العباس:**

- در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷گزارشی تحت این عنوان در سایت شفقنا انتشار یافت که چرا در سخنان حضرت پیامبر (ص)نام حضرت زینب بعنوان یکی از زنان برتر عالم نیآمده است؟ نظر من ذیل این گزارش این بود (فایل ۵۴):

در مورد این سخن پیامبراکرم (ص) که فرمود خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون بهترین زنان بهشتند دنیا باید بر خود ببالد که پیامبر عظیم الشان اسلام چه افق های دوردست را می دیده است که به جای نام بردن از چهار مرد برگزیده از چهار زن برگزیده عالم سخن به میان آورده است. آنهم در دوره ائی که شان و مقام زن در نازل ترین سطح خود بوده است.

با این بیان"روز جهانی زن" فراتر از ملیت ها و مدنیت های دیروز، امروز و هر روز تاریخ اعلام رسمی شده است. باید از مردم دنیا پرسید جهانشمول تر از این سخن در مورد زنان عالم شنیده اند؟ چهار نام با چهار عقبه متفاوت و با چهر هدیه بی نظیر به عالم بشریت. بعضی تمجیدها الحق و الانصاف زیبنده هر کس و هر مقامی نیست. مقام محمود محمد می خواهد تا از مقام محمود چهار زن برگزیده عالم یک تصویر جهانی بدهد. هر کدام ایشان یک اسوه بی نظیر و همزاد و همراه یک مکتب بزرگ.

پشتوانه مکتب موسی (ع) آسیه، مکتب عیسی (ع) حضرت مریم و هر پشتوانه مکتب محمد (ص) خدیجه و فاطمه است. بس ما نیست؟ در پی نام سوم هم هستیم؟ خودمان چه کردیم؟ چقدر نام خدیجه و فاطمه را در تاریخ مذکر خود تکرار کردیم؟ می دانم همه ارزشها را بی دفاع گذاشتیم اما عیب ندارد بگذارید بگویم

زینب نام نیست. روح خالص خدیجه و فاطمه است. وارث به حق شوکت و شعله مادر و مادر بزرگ است. یادگار کربلاست. اگر عصاره وجود پیامبر (ص) فاطمه است و عصاره وجود علی و فاطمه دوازده امام معصوم، دو اسطوره و دو تاریخ ساز دیگر زینب و ابوالفضل العباس هستند. کمال خلقت، علی و فاطمه است. سلسله جنبان این سلسله همام پیامبر است. جنت خاص، خاص ایشان است و آرزوی هر جنت خواه، دیدار با این خانواده محبوب است.


حسن زاده 22:15 1391-12-27

0

بر پایه این حدیث مسلمانان دنیا باید برخود ببالند که پیامبر عظیم الشان اسلام چه افق های دور و دور را می دیده است که به جای نام بردن از چهار مرد برگزیده از چهار زن برگزیده عالم سخن به میان آورده است. آنهم در دوره ای که شان و مقام زن در نازل ترین سطح خود بوده است. با این بیان "روز جهانی زن" فراتر از ملیت ها و مدنیت های دیروز، امروز و هر روز تاریخ اعلام رسمی شده است. باید از مردم دنیا پرسید جهان شمول تر از این سخن در مورد زنان عالم شنیده اند؟ چهار نام با چهار عقیده متفاوت و با چهار هدیه بی نظیر به عالم بشریت. بعضی نمیخواهند الحق و الانصاف زینده زبان هر کس و هر مقامی نیست. مقام محمود محمد می خواهد تا از مقام محمود چهار زن برگزیده عالم یک تصویر جهانی بدهد. هر کدام ایشان یک اسوه بی نظیر و همزاد و همراه یک مکتب اند. پشتوانه مکتب موسی(ع)، آسیه، مکتب عیسی(ع)، حضرت مریم و هر پشتوانه مکتب محمد(ص) خدیجه و فاطمه است. بس ما نیست؟ در پی نام سوم هم هستیم؟ خودمان چه کردیم؟ چقدر نام خدیجه و فاطمه را در تاریخ مذکر خود تکرار کردیم؟ می دانم همه ارزشها را بی دفاع گذاشتیم اما عیب ندارد بگذارید بگویم زینب نام نیست. روح خالص خدیجه و فاطمه است. وارث به حق شوکت و شعله مادر و مادر بزرگ است. یادگار کربلاست. اگر عصاره وجود پیامبر(ص) فاطمه است و عصاره وجود علی و فاطمه دوازده امام معصوم. دو اسطوره و دو تاریخ ساز دیگر زینب و ابوالفضل العباس هستند. کمال خلقت، علی و فاطمه است. سلسله جنبان این سلسله همام پیامبر است. جنت خاص، خاص ایشان است و آرزوی هر جنت خواه، دیدار با این خانواده مکرم است.

پاسخ | پاسخ با بازگو کردن | بازگو کردن

زینبیه

- بالای گنبد طلائی حرم او همواره پرچم سرخ/سبز/مشکی شهادت-سعادت-مصیبت به اهتزاز است.



حرم زینب(س) علمدار پیام عاشورا در زینبیه. تولد ۶ هجری. وفات ۶۳ هجری

حج اکبر-حج اصغر/روح زینب-روز زینب

(سروده شد به همین مناسبت در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۸)

خانه سنگی چون کتابی

خانه رنگی جلد رنگی

ضلع دیگر

دیدنی بود

حجر دیگر

وقتی دیدم

نیم مدار است

خواندنی بود

کوی اکبر

وقتی خواندم

خانه دیدم

پرده داشتی

خانمانی

رنگ مشکی

شانه دیدم

پرده دارم

شادمانی

حد رنگی

بی حجابی

در سیاهی

رنگ خیل است

رو سفیدم

بی عفافی

در سفیدی

رنگ میل است

من سیاهم

هر چه دیدم

با خدایم

رکن اصلی

من سفیدم

رکن رحمان

بی خدایم

رکن ایمان

من سیاهم

یک حجر بود

بد سیاهی است

رنگ اسود

بی خدائی

از ترنم

بد نگاهی است

جزو اکبر

بی نگاهی

رو ندارم

از تو پرسم

روز اکبر

روز اصغر

در محرم

دیده باشم

حج اکبر

حج اصغر

فصل اول

فصل دوم

بیت اکبر

بیت اصغر

مرد اول

مرد آخر

روح زینب

روز زینب

دوبیتی تقدیمی به گزارش مورخ۱۲خرداد۱۳۹۳سایت بینانیوز به مناسبت ولادت حضرت قمر بنی هاشم:

راز راز چشمه عباس اگر بالا گرفت

مادرش ام البنین میدان مشک بالا گرفت

جرعه ای آب فرات عباس به تنهائی نخورد

نینوا این راز خود در کربلا بالا گرفت







تصاویری از کف العباس و مزار و رواق مبارک قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) که در سرداب ضریح مطهرش قرار دارد.

ابوالفضل العباس-قمر بنی هاشم

(۱۳۹۵/۷/۲۱ مصادف با روز عاشورا)

بهتر است دستی بگیرم

دست حق در دست بگیرم

دست خود مشکی بگیرم

مشک خود با اشک بگیرم

دست نبود دندان بگیرم

مشک آب راحت بگیرم

خیمه ها طاقت ندارند

کار آب از سر بگیرم

آب نبود رحمت بگیرم

منزل از منزل بگیرم

من به لب اخگر بگیرم

من به کف کوثر بگیرم

من چه نامم نام خود را

مادرم ام البنین است

ام من ام عزیز است

ام ها ام ابیها است

آخرین ام زمین است

من مرید آن حسینم

چون پدر پشت حسینم

نسل ها پشت حسین است

جان فدای آن حسینم

زیارت عاشورا-تنها تسلی ما برای شهامت، شجاعت و ماتم کاروان حسینی

اللّهُمّ ارْزُقْنی شَفَاعَةَ الْحُسَیْنِ یَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ

یوم خروج است خدا

یوم ورود است خدا

یاد حسین است خدا

شافع روز است خدا

غم عظیم

(۱۳۹۵/۶/۲۲)

یزید (آقازاده نسل سوم ابوسفیان) چون پایگاه اجتماعی نداشت و منصوب پدر بعد از خود بود. ناچار بود چون پدر سراغ آقازاده های حضرت علی (ع)، زبیر، عمر و ابوبکر را برای گرفتن بیعت برود. منتها نه با زبان نرم که با ابزار سخت. لذا در همین مدت کوتاه خلافت خود، همه ایشان و دیگران با یزید بیعت کردند الا امام حسین (ع) و زبیر (مراجعه شود به مقاله پرچم سبز تنها رنگ دین اسلام است- به مناسبت فرا رسیدن روز اربعین،۱۴۰۰ در همین سایت).

کربلا محصول این تدبیر سخت و جنایت وحشتناک است. آوردن اسرا از کربلا به کوفه و بعد به شام اشتباه تاریخی یزیدیان بود که بساط این خلافت نامیمون را برچید.

در مجلس یزید که همه بزرگان دربار و سفرای دیگر کشورها حضور داشتند، حضرت زینب و حضرت امام سجاد سخنرانی کردند (سخنان حضرت زینب (س) در مجلس یزید. کرب و بلا: پایگاه تخصصی امام حسین علیه السلام).

زینب (س) در بخشی از سخنان شجاعانه خود گفت:

"ای یزید! ای فرزند کسی که جدم رسول خدا او را آزاد ساخت، آیا این از عدالت است که بانوان تو در خانه ها باشند و بانوان خاندان پیامبر در بازارها گردانده شوند!؟ ای یزید! هر چه در توان داری به کار بگیر و هر تلاشی را بکن ولکن بدان که تو نمی توانی یاد ما را محو کنی و نمی توانی وحی ما را بمیرانی..."

و حضرت سجاد (ع) در بخشی از سخنان خود فرمود:

".. حضرت محمد (ص) از ماست، حضرت علی (ع) از ماست، جعفر طیار از ماست، حمزه از ماست و حسن و حسین از ماست. ای مردم! من فرزند مکه و منا هستم، فرزند زمزم و صفا هستم. منم فرزند فاطمه زهرا، فرزند خدیجه کبرا و فرزند لب تشنه صحرای کربلا...".

یزید که طاق تحملش سر آمده بود دستور داد با گفتن اذان نماز، سخنرانی امام را قطع کنند. امام سجاد (ع) از این فرصت هم استفاده کرد و با هر ذکری از اذان، خود و خاندان با اصل و نسب خود را معرفی کرد.

این غم به ما عظیم است

این غم به ما قدیم است

بر حاکمان بگوئید

این غم به ما ندیم است

محنت جدا شمارید

عزت خدا شمارید

عزت اگر نباشد

قلت کذا شمارید

عزت خطاب عشق است

محنت کتاب عشق است

اکبر اگر نباشد

اصغر شتاب عشق است

احمد اگر ندارید

اصلح زیاد شمارید

اصلح اگر نباشد

خود را به خود شمارید

زینب نماد صبر است

صبر هم جمیل عشق است

سجاد نماد ذکر است

اجر هم جزیل ذکر است

این کاروان بداند

هر کاروان بداند

کار علی خطیر است

کار دمی فطیر است

حسین را خدا من حسین گفته ام

(۱۳۹۵/۷/۲۳ سومین روز شهادت آن امام هدی)

پاسخ خوبی، خوبی است. عزت ما از حسین است. ذلت ما از خود و از نفس اماره و لوامه است. کوچکترین خطای ما حسین شکن است. عاشورا شکن است. یزید شاد کن است. جاده صاف کن دشمن است. مجازات حسین شکنان با خداست. با مسئولین امر است. ذیحجه تا محرم تعقیب نماز است. عاشورا تهذیب نماز است. ظهر عاشورا اقامه واقعی نماز است. حیف است اینهمه پیام صرف نوحه خوانی صرف بشود. تحصیل غذای مفت باشد. اشک برای تسکین مصیبت های فردی باشد تاسوعا و عاشورا تصفیه با بیعت شکنان است. به صحرا کشاندن عمرسعد و عمر بعد است. فردا هر کس رفت در پی کارش معلوم می شود این محرم هم بر ما بی پیغام گذشت. نهضت محرم جدی است تا دیر نشده جدی بگیرید.

کجا تا کجا من حسین گفته ام

حسین تا حسین من حسین گفته ام

به خاک حسین من حسین گفته ام (السّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ یا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّهِ..)

به خون حسین من حسین گفته ام (السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره)

شبی تشنه لب من حسین گفته ام

حسین از من است من حسین گفته ام (حسینٌ منّی و أنا من حسین)

به جنت حسین من حسین گفته ام (الحسن والحسین سیّدا شباب اهل الجنّه)

به نفس زکی من حسین گفته ام (یَا أَیَّتُها النّفسُ المُطمَئِنَّةُ)

به نفس رضی من حسین گفته ام (إرجعی إلی ربّکَ راضیةً مَرضیةً. فَادخلی فِی عِبادی. وَادخلی جَنَّتی)

به حق نبی من حسین گفته ام

به حق علی من حسین گفته ام

به رنگ خدا من حسین گفته ام

به زنگ خدا من حسین گفته ام

قدم تا قدم من حسین گفته ام

بلد نابلد من حسین گفته ام

حسین شهید من حسین گفته ام

سفین نجات من حسین گفته ام (إنّ الحُسَینَ مِصباحُ الهُدی وسَفینَةُ النّجاةِ)

زمین و زمان من حسین گفته ام

شب و روز را من حسین گفته ام

حلال و حرام من حسین گفته ام

حیای حسین من حسین گفته ام

عطای حسین من حسین گفته ام

حسین را خدا من حسین گفته ام

بمانم بدانم من حسین گفته ام

هر آن گفته اند من حسین گفته ام

پدر حیدر است من حسین گفته ام

به هل خوانده باشد بهل گفته ام (هَل مِن ناصر یَنصُرنی)

به شب گفته باشد بچشم گفته ام

به هر چاره ائی من حسین گفته ام

به هر نامه ائی من حسین گفته ام

عرفا نام حسین است/ادبا یاد حسین است/ شهدا ثار حسین است/شعرا شعر حسین است/تو ببین نامه کوفه/تو ببین مژده کوفه/که حسین سرور دین است/که حسین مصلح دین است/ تو بیا مصدر کوفه/تو بشین مسند کوفه/ نکند سخت بگیرند/ نکند تخت بگیرند/به یزید جامه زیاد است به تو آزاده زیاد است/ بفرست هانی و مسلم/تو ببین مردم کوفه/... همه را یاوه نوشتند/ همه را پاره نوشتند... چه غلط ها به تو کوفه/ به تو کوفه به تو کوبه/تو و آن خانه چوبی/ تو و این نامه خونی/ به تو کور خوب زیاد است/ به تو مور گور زیاد است/ نه عرب تو را شناخته /نه عجم تو را شناخته/ به تو از خوب بپرسند/به تو از خون بپرسند/به تو از سوره بپرسند به تو از مویه بپرسند/مگر این خون حسین نیست/ مگر این نور حسین نیست/ به چه شرط باده فروختی/ به چه شرط نامه فروختی/به تو او وارث آدم به تو او وارث خاتم/ تو نخوان نامه خود را–تو بخوان واله خود را/تو بخوان نامه عالم/ تو بخوان نامی عالم/تو بیا حج خدا کن/تو بیا حج جدا کن/ پس از آن راه دگر/پس از آن کار دگر کن/ تو بشو راضی دیگر/ تو بشو مرضی دیگر/همه را وارث خون کن/ همه را واله خون کن/ دلت آرام گرفت نام خدا کن/ کار خدا کن/همه عمر کار تو باشد/ همه عمر راه تو باشد/ همگان کار تو بینند همگان نام تو گویند/ تو شوی مایه عزت/تو شوی مایه نهضت/ به تو من ساق بپوشم/ به تو من شال بپوشم/به زبان یاد تو باشند/ به دهان خوان تو باشند/ همه غمخوار تو باشند همه سردار تو باشند/ به تو من نور نوشتم به تو من حور نوشتم به تو من کوه نوشتم به تو من سور نوشتم/ بنگر نام حسین را، بنگر ام حسین را، بنگر ابن حسین را، بنگر عصر حسین را، بنگر نصر حسین را/ چقدر ثار زیاد است/چقدر ثاره زیاد است/به ابی انت و امی چه سپارند به تو عمری/ که تو همنام خدائی/ که تو همگام خدائی/به نوائی که تو دادند/ به اعوانی که تو دادند/ نفسی تازه نمودند/ به تو سجاده گشودند/ تو بیا پرده برون شو/ به تو این پرده برون شد/به تو نقاش خدا هست/ به تو خیاط خدا هست/همه چیز نقش خدا هست/ دیگران نقش تو بینند/ مگر این نقشه ببینند/ همه نقش نقش تو باشد/ همه رنگ رنگ تو باشد/ توئی آن پرده خورشید توئی آن زخمه خورشید/ همه نقش ها به تو ماند/ همه رنگ ها به تو آید/ بنگر نقشه خود را/ بنگر نقشه او را/ به تو این نقشه کفاف است/ به تو این نقشه عفاف است/ تو ببین صحنه عالم/تو ببین صحنه خاتم /حسین است وارث آدم حسین است وارث خاتم/ چقدر صحنه عجیب است/چقدر وزنه ثقیل است/ چقدر نغمه ذبیح است/ که حسین جمله جمیل است که وقت عزیز است/ همه فعل فعل خدا هست/ به تو این فعل فدا است/ به رایت دیده و گفتند که جمیل عین جمال است/ به خدا این خون عزیز است/به تو این شهر جمیل است/ به این شرح جلیل است/ تو نبین صحنه تیر را/تو ببین صحنه کین را/ تو نبین پشت فرات را/ تو ببین رو به فرات را/ تو نبین کشته خویش را/ تو ببین ریشه خویش را/ به حسین رحم رحیم است/به یزید رحم رجیم است/ که حسین خانه دین است/ که یزید خانه کین است/ به دلم غصه زیاد است/که حسین تشنه آب است/مگر اعراب نبودند/ مگر احزاب نبودند/ نه عرب خاطر او خواست/ نه عجم خواهش او خواست/ قطرات نامه نوشتند/حضرات خانه نشستند/ تو بدان ارزش خون را/ تو بکن ماتم خویش را/ به خدا قرب حسین است/به

خدا صلح حسین است/ شه مردان حسین است/ شه شاهان حسین است/ دم شاهد حسین است/ شب شاعر حسین است/ حسنین نسل نثارند/ نسبین وصل نثارند/ سببین حسب و حسابند/ سمعین شمع نثارند/ تو ببین نقش خدا را/ تو ببین وصف خدا را/ به خدا نقش و نگار است/ به خدا پرده راز است/ چقدر نقشه زیبا/ چقدر محشر زیبا/چقدر دسته زیبا/چقدر پرچم زیبا/ به تو زیبا همه زیبا/به تو زینب همه زینب/ لب او حرف حسین است/دم او درد حسین است/همه دیدند شب دیگر /همه دیدند زن دیگر/همه دیدند غم دین را/ همه دین شه دین را/به من این پرده خطاب است/به من این غصه کتاب است/ حسنین پرده اول/زینبین پرده آخر/ساجدین سجده آدم/باقرین عالم و آدم/کاظمین غصه آدم/مشهدین مشعر اول/ عسگرین اصغر و اکبر/آخرین غیبت آخر/ تو ببین نقشه خود را تو برو نقشه خود را.

جبهه حق و باطل

(۱۳۹۵/۷/۲۷ برابر با ۱۶ محرم۱۴۳۸)

همه کس کار خدا نیست

همه کس راه خدا نیست

حسنین حسن جمال اند

زینبین پیک خدایند

کاظمین چشم خدایند

قاسمین قسم خدایند

آسمان چشم حسین است

غصه ها اشک حسین است

کربلا رنگ حسین است

نینوا رنج حسین است

چقدر خصم وقیح است

چقدر شرم شبیه است

به حسین نامه نوشتند

تو بیا قائد ما شو

تو بیا شاهد ما شو

به کدام خانه بیآید

که تو را خانه بیابد

به تو از ثاره بگوید

به تو وثاره بگوید

تو فقط حرف زیادی

تو همان آل یزیدی

تو یزید بن یزیدی

تو زیاد بن زیادی

تو زیادی زیادی

تو یزید بن زیادی

به حسین غصه ندارم

به تو من غصه زیادم

که حسین شاهد نور است

که حسین ساکن نور است

که حسین بانی نور است

به حسین روز نوشتند

به حسین شور نوشتند

تو برو غصه خود کن

تو برو مشکل خود کن

تو برو دزدی خود کن

تو برو برده خود خور

تو برو مرده خود خور

به خدا مکتب او دزد ندارد

به خدا مذهب او سست ندارد

همه در راه خدایند

همه در کار خدایند

همه میقات خدایند

همه میعاد خدایند

همه در سوگ حسین اند

همه در پشت حسین اند

تو بکن کار حسین را

تو بده نذر حسین را

تو بگیر نمره خود را

تو بگیر مهلت خود را

همه قد طاعت او بود

همه وقت ساحت او بود

سر صبح احمد او بود

سرشب اکبر او بود

به اذان ساده نبودند

به نماز سایه نبودند

ثمن او محک ماست

صفت او صنم ماست

سبد او مدد ماست

بشر او وسط ماست

به من این غصه زیاد است

به من این کشته نگار است

به من این نخل بخیل است

به من این نقل ثقیل است

اربعین حسینی

به ما از شهر خود از شرح خود گفت

(۱۳۹۵/۶/۲۶)

به ما از اربعین تا اربعین گفت

به ما از کربلا تا هر بلا گفت

به ما از حج خود در آسمان گفت

به ما از آسمان تا ریسمان گفت

به ما از جنگ بدر تا جنگ بعد گفت

به ما از نوریان تا کوفیان گفت

به ما از صوفیان تا مفتیان گفت

به من از عادیات تا ذاریات گفت

به ما از مادرش ام ابی گفت

به ما از کوثر آل عبا گفت

به ما از زینب آل فتا گفت

به ما از شیر زن تا شیر زن گفت

به ما اصحاب خوب اصحاب خود گفت

به ما از لشگر آل نبی گفت

به ما از ساحت پاک نبی گفت

به ما از تربت پاک علی گفت

تاسوعا و عاشورا

(۱۳۹۶/۷/۸)

می گفتند نظام مسلط (حکومت فاسد یزید و آقازاده معاویه) برای امام حسین دو گزینه بیشتر در نظر نگرفته بود: تبعیت یا شهادت! و امام حسین (ع) در این چهار چوب یا مرگ یا **ذلت**، **گزینه هَیْهَاتَ مِنّا الذِّلّة** را برگزید تا پیام مبارک سوره توبه: قُل هَل تَرَبَّصونَ بِنا إِلّا إِحدَى الحُسنَيَينِ وَنَحنُ نَتَرَبَّصُ بِكُم أَن يُصيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِن عِندِهِ أَو بِأَيدينا فَتَرَبَّصوا إِنّا مَعَكُم مُتَرَبِّصونَ- بگو: آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم (توبه/۵۲) یکبار دیگر به گوش همه گردنگشان تاریخ برسد. تا بدانند ورق را در روزهای مبادا خدا بر می گرداند.

مهلت دیروز گذشت — یک طرفش حاتمی

محنت امروز گذشت — یک طرفش با عرب

ما که ندیدم حسین — یک طرفش با عجم

روز حسین هم گذشت — یاد حسین گوش داشت

ما که نخوردیم زمین — نام حسین هوش داشت

دشمن ما خورد زمین — هرچه حسین دوست داشت

باور دین هم قوی — نام حسین جوش داشت

باور کین هم قوی — روز مبادا نبود

کینه حیا هم نداشت — روز دگر هم نبود

سینه جواب هم نداشت — زینب کبری نبود

یک طرفش آدمی — کرب و بلا هم نبود

منظره ائی گوشه بود
روز خدا دیدنی است

مصلحتی تیره بود
صاحب این روز خوب

همت عباس بود
خالق این روز خوب

زینب کبری بود
کرب و بلا گفته است

مردم اعیان بود
روز عزا گفته است

منجی آفاق بود
خانه ما منتظر

یوم عظیم جمع شدند
نون حسین می دهند

قوم عظیم سر شدند
روز حسین می دهند

روز قدیم است مگر
آنکه بر آشفته شد

روز غدیر است مگر
اشک حسین ریخت و رفت

صاحب تخت است مگر
روی زمین ریخت و رفت

واصل حق است مگر
آنکه خداگونه شد

پرده برون رفته است
کار حسن دید و رفت

نام حسین رفته است
کار حسین دید و رفت

بار حسین داده است
خون حسین در کجاست

خون خدا خوانده است
در رگ هر مشتری

کار حسین دیدنی است
نام حسین می برد

راه حسین رفتنی است
کار حسین می خرد

روز عزا مردنی است
یا که سلام می دهد

یا که سلام می کند — منظره ها دیدنی است

زاده افتاده است — کرب و بلا خواندنی است

زاهد هر خانه است — روز بلا رفتنی است

اشک به چشمان او — روز عطا دیدنی است

رخش به پیمان او — با تو خداست دیدنی است

دولت از این بیشتر — بی تو خداست رفتنی است

هیبت بت را شکست — نام حسین باور است

بیعت بد را شکست — کار حسین یاور است

غیبت شب را شکست

عاشورا مگر عاشورا

(۱۳۹۷/۶/۲۹)

حسین جبهه نیست جلوه است. جلوه حق است. جلوه اشک است. جلوه مشک است. ماه نصیب است. یوم ورود استوارث خوب است. وارث خون است. کلی ایجاب و ایجاز است. اوج زیبائی است. بوی نسترن است. حافظ ایمان است. حاکم ایران است. حسین وارث نوح نبی است. جد نبی است. اولیای دم همه پاکان زمین است.

با حسین باید عمارتی نو ساخت. مدرسه عشق ساخت. محکمه عدل ساخت. مسجد عمران ساخت. منظره دیگر ساخت. فردا ساخت. دریا ساخت. رجحان ساخت. فرمان یزدان ساخت. اشک را شناخت خون را شناخت با هر دو گوهر تابان ساخت. فقط اشک نساخت. باران ساخت. اشک و مشک را با هم ساخت. مشی را از علی و مشق را از حسین ساخت.

کار سماوات حسین گفته است

شام غریبان حسین گفته است

دشمن دانا حسین گفته است

دشمن نادان حسین گفته است

شاعر این شهر حسین گفته است

کودک این ملک حسین گفته است

زینب کبری حسین گفته است

نذر تو دادند حسین گفته است

نذر تو خوردند حسین گفته است

دست تو باشد حسین گفته است

اشک تو باشد حسین گفته است

آب فرات هم حسین گفته است

حزن حسین را حسین گفته است

حر ریاحی حسین گفته است

روح خدائی حسین گفته است

دشمن ایران حسین گفته است

نام دو شهر است حسین گفته است

کار دو شخص است حسین گفته است

یاد حسین کن حسین گفته است

هرچه حکایت حسین گفته است

کار سماوات حسین گفته است

شام غریبان حسین گفته است

دشمن دانا حسین گفته است

دشمن نادان حسین گفته است

شاعر این شهر حسین گفته است

کودک این ملک حسین گفته است

زینب کبری حسین گفته است

نذر تو دادند حسین گفته است

نذر تو خوردند حسین گفته است

دست تو باشد حسین گفته است

اشک تو باشد حسین گفته است

آب فرات هم حسین گفته است

حزن حسین را حسین گفته است

حر ریاحی حسین گفته است

روح خدائی حسین گفته است

دشمن ایران حسین گفته است

نام دو شهر است حسین گفته است

کار دو شخص است حسین گفته است

یاد حسین کن حسین گفته است

هرچه حکایت حسین گفته است

هرچه حکایت حسین گفته است

گذر عمر

(۱۳۹۷/۷/۲۳)

عمر گذر بود گذر کرد و رفت

با همه عشاق نشست کرد و رفت

رنگ دیگر بود دیگر کرد و رفت

با تو نگفتم چه ها کرد و رفت

روز عاشورا

(۱۳۹۷/۷/۲۳)

روز نخندید که این روز توست

روز اسیران شهیدان توست

مسند اول سزاوار توست

اشهد دوم کرامات توست

اربعین حسینی

(۱۳۹۷/۸/۸)

تاج گردون راه ماست

کار گردون کار ماست

تا تماشا می کنم

ماه گردون ماه ماست

اربعین حسینی

(۱۳۹۷/۸/۸)

اربعین شاخه گل

شاخه گل در حرم است

به من این مررسن است

خون حسین در سحر است

نام او را نبرم

نام الف در نظر است

نینوا در چمن است

بوی سمن در چمن است

ماه ماه دو سفر

هم رجب است هم صفر است

اربعین: راه خدا و راهکار دیگری از خدا

(۱۳۹۸/۷/۲۹)

اربعین راه خدا و راهکار یادگاری خداست. حسین (ع) و یاران با وفای ایشان برای چنین روزی و چنین مسئولیتی و رسالتی آفریده شده بودند. آخر چه کسی جز ایشان در آن دوره جهل و خفقان و تن پروری و زورگوئی می توانست و می خواست از دین خدا محافظت و پاسداری کند. آنهم نه با مال که با مال و جان. با همه یافته ها و داشته های نسل در نسلی خود. طبیعی است هر لحظه این کاروان زیر نظر بود. خدنگی بر ایشان وارد نشود. زخم چشمی بر بزرگی این کاروان از دید سماوات وارد نشود. تا همگی سالم و سلامت و با تمام همت و عزم و بزرگواری تمام به میقات خدا برسند. تا خود نمایند. به خدای خود نمایند. جان را بدهند جانان را بگیرند. نگریند بخندانند. خدا را، ملائک را، مذاهب را، مناسک را، منابر را، مناصب را، حوادث را، در این میان مشاورین امام، همراهان بنام ایشان بودند که هر لحظه به امام مشورت می دادند.

دریافت های باطنی و ظاهری خود را در طبق اخلاص می گذاشتند و به امام خود منتقل می کردند. سر از پا نمی شناختند. به هر کسی می شناختند پیغام می دادند. تا دیر نشده به جمع ایشان بپیوندند تا خسر الدنیا و الاخره نشوند. اما خوب می دانستند برای راه بزرگ مردان بزرگ و شیر زنان بزرگ می خواهد. کار هر کس نیست درب حق را کوفتن/ مرد شیر می خواهد زنان شیردل.

اربعین دیدم و گفتم تو بیا

سر سالار ندیدی تو بیا

حسن ام شاهد خون است تو بیا

زینب ام ضامن خون است تو بیا

مددی از سر بانگی تو بیا

غزلی بی سر و پائی تو بیا

به تو من نوحه سرایم تو بیا

سر خود را نشمارم تو بیا

مددی بوده از این غم تو بیا

اشک چشمی تو بیا سرمه چشمی تو بیا

به تو گویم تو بیا بر سر دولت تو بیا

مقتدر بوده و بودند به تو گفتم تو بیا

اشک چشم بهتر از این قدرت پوچ است به تو گفتم تو بیا

تو حبیبی تو حدیثی به تو گفتم تو بیا (من الغریب الی الحبیب/نامه ای از امام به حبیب بن مظاهر)

به تو گفتم تو بیا بر سر شوقی تو بیا

به دم خانه من خانه خطاب است بیا

آمدی خانه ما خانه مهتاب بیا

اربعین روضه ماست روضه ما هم تو بیا

مسلخ عشق خداست اینهمه ذبح زود بیا

غم سجاد ندارم به تو گویم تو بیا

هر نسیم دیدی از این شرح به این شهر بیا

الغدیر روز علی است اربعین روز حسین

بر علی دیر نشد بر تو مباد زود بیا

قلمی یا قدمی بر تو سپردند تو بیا

حسین خون خدا

(۱۳۹۹/۲/۱۶)

نوبت خون خداست او خرید

کرب و بلا را به جهان او خرید

حضرت عباس دلیران خرید

زینب کبری اسیران خرید

حر ریاحی حیا را خرید

کنیه مختار عدالت خرید

ذوالجناح: اسب با وفای امام حسین (ع) در روز عاشورا

(۱۳۹۹/۶/۱۱)

در عصر روز عاشورا به وقت نماز مغرب حدود ساعت ۱۶/۶ بعد از ظهر، امام حسین (ع) مانده بود و یک جبهه پیروز میدان نبرد. همه یاران و اصحاب و فرزندان او شهید شده بودند الا خود او. نه راه پیش داشت و نه راه پس. بقول مرحوم دکتر شریعتی ایستاده بود که نیفتد. در این هنگام او از همه اهل حرم خداحافظی کرد. جبّه‌ائی از خز به همراه داشت پوشید. عمامه پیامبر را بر سر نهاد و شمشیر آن حضرت را بر کمر بست و راهی آخرین نبرد جبهه ای حق علیه باطل شد (تبیان،۱۳۸۷).

ذوالجناح از این ببعد نامور می شود.

اما قبل از پرداختن به ذوالجناح مایلم از علت استفاده نمادین از عمامه و شمشیر پیامبر (ص) بنویسم. آیا این با ارزش ترین یادگاری های پیامبر (ص) نمی توانست به مدد آن حضرت بیآید؟ قطعا چنین بوده. ضمن اینکه قطعا خود آن حضرت در صحنه کربلا حضور داشته است. اینها پشت پرده هائی است که به چشم دیده نشده است و به قلم نیآمده است. اما ما از خدای متعال انتظار بیش از اینها داریم. شواهد هم مبین امدادهای غیبی خداست. کربلا نقشه خدا بدست امام است. پیام کربلا بدست زینب است.

لیکن، برای خدا عمل به رسالتهای فردی مهم و تعیین کننده است. نسب پیامبر داشتن مزیت است. پسر فاطمه و علی بودن علت مزیت است. امام سوم بودن، مزیت فوق العاده است. ثارالله بودن مزیت در مزیت است. اینکه عاشورا نجات بخش همه ملتهای تحت ظلم در همه اعصار است. دل هر دردمندی را بدرد می آورد و برای بسیاری معجزه می کند خود گواه آن است در کربلا خون خود امام حسین معجزه کرده است. بعد حسین، زبان زینب معجزه کرده است. بعد از عاشورا ژن امام سجاد معجزه کرده است. سلام های چهارگانه" اَلسّلامُ عَلَی الْحُسَیْن وَ عَلی عَلَیِ بْن الْحُسَین وَ عَلی اَوْلادِ الْحُسَیْن وَ عَلی اَصحابِ الْحُسَین" در تائید معجزات نسبی و سببی تک افراد حاضر در خیمه آل رسول است. یعنی این سلام ها با نام خدا و رسول خدا در همه جا و برای همه نسل ها معجزه می کند. همچنانکه پیرهن یوسف برای یعقوب (ع) معجزه کرد و سوره یوسف برای همه قائلین به قرآن مجید.

نوع معجزه فرق می کند. یک مسلمان می تواند از مسیح (ع) معجزه بخواهد و یک مسیحی از پیامبر اسلام (ص). اتفاقا مسلمانانان چون معتقد به همه انبیای گرامی خدا هستند، دستشان برای گرفتن معجزات بیشتر باز است.

پس چرا اینقدر کم بهره اند؟ چون بهره بانکی را بر بهره بانک خدا ترجیح می دهند. چون لباس روحانی دارند اما روحانی نیستند. قرآن را می خوانند اما قرآنی نیستند.

بیشتر زبانی اند تا وجدانی/موالدند تا مواقف/معادن اند تا منابر/ مصالح اند تا مصائب/مغضوب اند تا محبوب/مجبورند تا منصور/ مستورند تا معلوم/ محدودند تا مبسوط/ گناهند تا بیگناه/کتابند تا مکتوب/ شعاع اند تا قطر/ قصاص اند تا قدس/ بیت المقدس که اصلا/ بَیتُ المَعمور که اصلا/بیت خدا که اصلا/ فکر رضا که اصلا/قرب خدا که اصلا/

همه چیز پیوسته است. خود ما هم می توانیم در پیوند با این خاندان معجزه گری در حد خود باشیم. دستمان برکت پیدا بکند. دلمان اینقدر صاف باشد درد از دیگران بزداید. وقتی خودمان بیکس شدیم کسان معزز ما همه کس ما باشند. در سلام های سه گانه نماز، ما مشمول آخرین نفرات سلام آخر نمازهای یومیه باشیم. انشاالله.

معجزه است این رسول

کامله است این رسول

نوبت ماست تا رسول

مژده کند این رسول

اما نکات چندی درباره ذوالجناح:

حضرت در روز عاشورا سوار بر این اسب بود. ذوالجناح بسیار چابک بود و در میدان نبرد سرعت عمل از خود نشان می‌داد و به واسطه شباهتش در تیزی با پرندگان به این نام خوانده می‌شد. نویسندگان مقاتل و راویان در وفاداری، هوشمندی و صمیمت ذوالجناح روایات بسیار ذکر کرده‌اند. و در آثار خود با عظمت از آن نام برده‌اند به ویژه هنگامی که حسین بن علی بر اثر عطش و جراحات و خون‌ریزی بی‌حال شده بودند، او زمین نشست تا امام بتواند سوار بشود و به سمت خیمه‌گاه برود.

اما امام همه مسلمین و همه آزادگان دنیا، پیش از رسیدن به خیمه‌گاه از اسب به زمین افتاد. ابن سعد فریاد زد آن اسب را بگیرید به خدا سوگند از گرانبهاترین اسب‌های محمد بن عبدالله است.

هنگامی که سپاه عمر بن سعد خواستند اسب را بگیرند ذوالجناح به آنان حمله کرد و با لگد آنان را به هلاکت رساند. ابن شهر آشوب آمار کشتگان توسط ذوالجناح را ۴۰ جنگجو ضبط کرده و دیگران بیش از این تعداد یاد کرده‌اند. ابن سعد فریاد زد او را رها کنید وگرنه همه را به قتل می‌رساند.

هنگامی که دشمن از او دور شد و ذوالجناح اطمینان حاصل کرد که او را رها کرده‌اند، بر سر بالین حسین بن علی و به دور جسد بی‌حال او می‌چرخید و او را بو می‌کرد و می‌بوسید. سپس پیشانی خود را به خون بدن حسین بن علی آغشته کرد در حالیکه دست‌های خود را بر زمین می‌کوبید و شیهه سر می‌داد به سوی خیمه‌گاه رفت. هنگامی که به خیمه گاه رسید آواز بلند می‌کشید و سر خود را به زمین می‌کوبید، وقتی که اهل بیت حسین بن علی ذوالجناح را به آن حال دیدند از خیمه‌ها بیرون آمده و گریه‌کنان دور ذوالجناح گرد آمده و دست بر سر و صورت و پای او می‌کشیدند، ام کلثوم دو دست خود را بر بالای سر خویش گذاشت و فریاد می‌زد: وامحمداه واجداه وانبیاه.

سرانجام:

تاریخ نگاران در مورد سرنوشت ذوالجناح در عصر عاشورا اختلاف دارند؛ گروهی بر این باروند که ذوالجناح پس از رساندن خبر کشته شدن حسین بن علی به خاندان او آنقدر سر خود را به زمین کوبید تا اینکه مقابل خیمه‌گاه نقش بر زمین گشت و

مرد. برخی نیز می‌گویند پیش از کشته شدن حسین بن علی کشته شد و او زمانی را پیاده با لشکر عبیدالله بن زیاد جنگید تا کشته شد. عبدالله بن قیس گفت: آن اسب را دیدم که تمام مردم از دور او پراکنده شدند و او به سرعت به طرف خیمه‌ها رفت و کسی قادر نبود به او نزدیک شود و سپس آهنگ فرات کرد و به سرعت خود را به وسط فرات رسانید و در آب فرورفت و تا امروز، کسی نمی‌داند او کجا رفته و چه شده‌است.

گفتم تو جناب

گفت جناح ام

ذوالجناح ام

عقلم برسد جنگ نمایم

عشقم برسد صبر نمایم

بر خون حسین اشک نمایم

بر شور حسین شور نمایم

عمریست در بزنند درب تو دارم

فریاد تو دارم

ای مردم خوب بر سر من شرط نبندید

برهان ندارند

افتان ندارند

من مشتعل راه حسین ام

من منتقم خون حسین ام

عمریست در این راه حسین ام

بر یال من هم نام حسین است

بر پای من هم رسم حسین است

من منتظرم صبر نمایم

من منتقمم فخر نمایم

افسانه نیم اسب خدایم

ریحانه نیم اسب حسین ام



اثر ماندگار استاد مسلم فرهنگ و هنر ایرانی استاد جناب آقای محمود فرشچیان،۱۳۵۵.

هیچ ستمی بر تو نیست

نام زمین نام توست

کرب و بلا کار توست

زینب و شب زاد توست

این همگان حال توست

بی همگان خوار توست

قصه ما نازعات (قدر مسلم جان های بی مثالی را که حضرت عزرائیل از امام حسین و اولاد و اصحاب آن حضرت گرفت راحت تر از جان سختی که از کفار گرفت)

آیه سخت نازعات

آیه نرم ناشطات

مصدر ما کاشفات

اصلح ما سابقات

جان حسین باقیات

کار حسین صالحات

بسته حق سابحات

حوزه ما کائنات

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا* وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا* وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا* فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا... سوگند به فرشتگانی که از کافران به سختی جان ستانند* و به فرشتگانی که جان مؤمنان را به آرامی گیرند* و به فرشتگانی که در دریای بی مانند شناکنان شناورند * پس در پیشی گرفتن در فرمان خدا سبقت‌گیرنده اند (نازعات/۴-۱).

هنوز هم نمی دانم به چه دلیل از نقش ذوالجناح در میدان نبرد کربلا اینقدر غافل بوده ام. آیا چون اسب بود؟ انسان نبود؟ جزو ۳۰ هزار لشگر ابن سعد نبود؟ با اولین ذکر نام او در این متن آموختم که او یک حیوان نجیب نبود. یک ناجی برای امام بود. یک پیام آور برای خیمه ها بود. او و نه آن به تمام معنا عاشق مولا و خاندان او بود. در واقع یک مجاهد در هیبت اسب بود. استاد فرشچیان زودتر از من او را شناخت و از او یک مرکب ویژه ساخت.

گفتمش جانم جناح

افسر دیگر جناح

صحبتی داری بگو

خوش ترین ها را بگو

گفت شرمسارم ای ودود

راکبی بر من نماند

جلوه ائی دیگر نماند

من سپاه گیسوانم

من غلام سرسپارم

یورشان پر سپاهم

شیهه های بیشمارم

کفر سعد آدم نداشت

دشمنان اعظم نداشت

روزگار امت شناخت

زینب کبری شناخت

امها امت شناخت

آشنا هیبت شناخت

خیمه ها خیزان شناخت

مردمان دولت شناخت

نام من کمتر شناخت

چون حسین با من نبود

ابن سعد بیشتر شناخت

محرم تا محرم کار ماست

(۱۳۹۹/۶/۱۷)

تا محرم جان ماست

از محرم تا محرم کار ماست

کاروان در راه ماست

سوم و هفتم ادای دین ماست

زینب از شام غریبان زنده است

الشهید نامی است که گفتند زنده است

من ببوسم راه او از هر چه راه است بهتر است

سوگوارم من حسین را خوانده ام

سوگواران را حسین من خوانده ام

من خدا را خوانده ام

من حسین وار خوانده ام

یاد من باشد خدا را خوانده ام

با حسین من کار خود را خوانده ام

اربعین: نه می بخشم و نه فراموش می کنم

(۱۳۹۹/۷/۱۷)

اربعین یک یادآوری صرف تاریخی نیست

یک رسالت است

یک عبادت است

یادآور یک صحنه است

یک صفحه است

یک صنعت یک پارچه است

تلخ است اما سنجیده است

رنگ است اما تفتیده است

اصحاب بدر هم دیده اند

اصحاب جنگ هم دیده اند

سر داده اند سر دیده اند

انصار حق را دیده اند

سرمای جنگ را دیده اند

گرمای حق را دیده اند

بر بام شب کم رفته اند

در راه حق جمع رفته اند

در یاد ماست این نامگان

بر بال ماست این شایگان

این کربلاست در راه ما

یک دشت خون در کربلا

پیغام خون بر گوش ماست

پیمان خور با خون ماست

یک کاروان در راه ماست

یک آسمان بر پای ماست

خواستی ببخش خواستی نبخش

دشمن ولی هرگز نبخش

باشد تو را هم خون کنم

هم سو و هم روحم کنم

این مردمان همت کنند

بر دشمنان ذلت کنند

تا ریشه ای دیگر زند

از خون ما بیشتر زند

نامی برند جامی برند

بر تشنگان آبی برند

بر گشنگان نانی برند

زینب تو باش

برهان تو باش

ریحانه دوران تو باش

اصحاب کهف دیگر مباش

این قوه را با خود ببر

بر قله دیگر ببر

فخر زمان نام تو باد

طرح زمان کار تو باد

زینب اسیر کربلاست

ذلت کجای کربلاست

یک ژولیده مو

یک پاره کفش

دنباله داشت

هنگامه داشت

در کوفه ها صد پاره داشت

مردم بدان این نام ماست

یک اربعین همنام ماست

مرزی اگر مرز خداست

دردی اگر درد خداست

در کربلا پیمان خداست

یک نقش برای مجرمان

یک نقش برای مومنان

تقدیم ماست بر آسمان

تحمیل ماست بر سازمان

آب فرات در نقش خود

رخش امام در کار خود (ذوالجناح)

یک مجموعه بود کم یا زیاد

بدبین مباش

کم بین مباش

بی دین و بد دین هم مباش

همت تراست همت تو باش

یک زینب کبری تو باش

مایوس مباش مفتون مباش

یک گوهر دیگر تو باش

با من تو باش هر کاره باش

هر کاره دنیا تو باش

در حیرتی دیگر مباش

در محنتی منت مباش

صبحانه دیگر تو باش

زنگوله دوران تو باش

اسما تو باش انذار تو باش

اسباب این دوران تو باش

خود را شمار از دم شمار

این دم به دم دیگر شمار

صد کاروان در راه توست

بی کاروان هرگز مباش

ای پرده دار: فرمان بده در خدمتم کاری کنم

(۱۳۹۹/۷/۱۸)

ای پرده دار

فرمان بده کاری کنم

یک پرده را بازی کنم

یک پرده را قاضی کنم

یک پرده را راضی کنم

با نام تو راضی کنم

بی نام تو بازی کنم

یک پرده را روئین کنم

یک پرده را خونین کنم

دوستی نبود دوستی کنم

نوشی نبود نوشین کنم

ای پرده دار

این پرده را بالا ببر

پائین مبر

تا پرده را روشن کنم

تا کار خود نالان کنم

تا بار خود باران کنم

در کربلا خواهان کنم

در اربعین تاوان کنم

یک کربلا دارم

(۱۳۹۹/۱۰/۲۵)

ای کربلا دورم، یک کم ولی کورم، بیشتر تو را جویم، بیشتر تو را بویم، با اینهمه دورم، دور از توام دور، یک شب تو را دارم، یک شب خودم دارم، من زینب هم دارم، من ساقی هم دارم، من کربلا دارم، مردان حبیب دارند، مردان رشید دارند، ام البنین دارند، ام العظیم دارند، یک اصل به من بگوید، مردان شهید دارند، کنعان عفیف دارد، صنعان شریف دارد، هر کس که دین نگهداشت، او را خدا نگهداشت، اکناف خود نگهداشت، استان خود نگهداشت، در کوفه است نگهداشت، در کربلا نگهداشت،

کم کم کلاس خون است، ما را خدا نگهداشت، ما را بلا نگهداشت، این ساربان نگهداشت، این سازمان نگهداشت، از انبیا هنر داشت، از اوصیا کهن داشت، این خون بها خبر داشت، حر را بر او نگهداشت.

بین الحرمین

(۱۴۰۰/۴/۹)

یک برادر اینجاست

یک برادر آنجاست

هر برادر اینجاست

کربلا اینجاست

مهر و مه اینجاست

لاجورد اینجاست

یاس زرد اینجاست

کودکی از تبار یاس اینجاست

مهتری چون نگاه ماه اینجاست

این نگاه ماست اینجاست

کل حشر و نشر اینجاست

کل مرد و زن اینجاست

یا کریم یا رحیم اینجاست

روی ماه مهتاب اینجاست

سر سپردن است اینجاست

سر ندیدن است اینجاست

آسمان هفتم هم اینجاست

تاج سر به ما اینجاست

آسمان، قرار ما اینجاست

ریسمان، کمان ما اینجاست

هرچه خود کنی اینجاست

هرچه مشت کنی اینجاست

مصطفی کجاست اینجاست

مقتدا کجاست اینجاست

صد سلام ما اینجاست

صد صفات ما اینجاست

عاشورای حسینی

(۱۴۰۰/۵/۲۸)

امروز ما در عزای این تاریخ ایم. حسین وارث آن اسلام و ما وارث این اسلام هستیم. اما مشترکات زیادی هم با هم داریم. به یک قبله نماز بپا می داریم. روزه می گیریم و در مصیبت عظمای کربلا با تمام وجود متاثر می شویم و چند قطره اشک هم می ریزیم و با خود به دشمنان اسلام می گوئیم:

به سراپرده عالم به جز از راه حسین نیست

حسنین یا که حسن یا که حسین است

به جمع این دو نفر زینب کبری است

علم دست ابوالفضل حسین است

از زبان مام حسین (ع) به مناسبت وفات مادر گرامی اش حضرت فاطمه زهرا (ع)

(۱۴۰۲/۹/۲۶)

برای پدر پسر بودم

امین خدا بر زمین بودم

قطره اشکی برای خدا بودم

نبی را دوست داشتم ولی بودم

علی را دوست داشتم صفی بودم

من زمینِ کربلا بودم

من شهید کربلا بودم

با من اصحاب کربلا بودند

علیِ اکبر و اصغر بودند

علمدار من عباس بودند

ریحانه دلم زینب بودند

زمین و زمان با ما بودند

جز کفر همه با ما بودند

مسلم، سفیر من بودند

زهیر در رکاب من بودند

حبیب بن مظاهر، پدر بودند

فرشته نجات در زمین بودند

همه یلانِ قدر بودند

شهیدان زنده خدا بودند

از حر حرتر، حر بن ریاحی بودند

ما یک به هزار بودیم

هزاران را حصار بودیم

چه لشکری بودند

لشکر خدا بودند

هر کس سلام خود داشت سلام ما هم بودند

در رفتن به میدان نبرد رقیب هم بودند

حریف دشمن، حبیب من بودند

من خوش شناس بودم

در این لشکر بودم

زعیم این لشکر بودم

کمی دورتر زینب کبری بودند

چه بانوئی بودند بامدادن بودند

تا سحر با من بودند

اشک من و خون من و محرم راز من بودند

ما خواهر و برادر بودیم

انیس و مونس هم بودیم

ما ستاره درخشان بودیم

از نبی یکی، از علی یکی، از فاطمه یکی بودیم

ما یکتا یکتا بودیم

ما یکتای عالم بودیم

شهید هم شدیم یکتا بودیم

ما پرچم خدا دست شما بودیم

ما منتظر شما تا شما بودیم

نوشته های مرتبط با این موضوع در این سایت:

۱. کوفیان (۱۳۹۵/۸/۱۰)

۲. اربعین حسینی و سایت محبان حضرت زینب (س) (۱۳۹۶/۸/۱۸)

۳. از امامان شیعه چه می دانیم؟ (۱۳۹۷/۳/۱۰)

۴. امروز محرم شد (۱۳۹۷/۶/۲۰)

۵. اربعین حسینی (۱۳۹۷/۸/۸)

۶. چهل کار خیر تا اربعین (۱۳۹۸/۶/۱۸)

۷. به من این ماه نمائید محرم (۱۳۹۹/۵/۳۱)

۸. صبح بخیر روز تاسوعا (۱۳۹۹/۶/۸)

۹. علل جاودانگی حماسه عاشورا (۱۳۹۹/۶/۹)

۱۰. خدیجه و فاطمه و زینب کبری (۱۳۹۹/۱۰/۳)

۱۱. روز دفن اجساد مطهر شهدا و رسیدن کاروان اسرا به کوفه (۱۳۹۹/۶/۱۱)

۱۲. محرم یعنی راه غدیر بسته است (۲۶ مرداد۱۴۰۰ برابر با ۸ ماه محرم شب تاسوعا)

۱۳. کربلا یعنی راه کوفه بسته است (۱۴۰۰/۵/۹ برابر با ۹ محرم شب عاشورا)

۱۴. از اسلام رمق ها گرفته شد- در کربلا کل رمق اسلام گرفته شد: با نگاهی بر اوضاع فعلی افغانستان (۱۴۰۰/۵/۲۹).

۱۵. محرم ماه سرشت و سرنوشت (/۱۴۰۱/۵ برابر با ۶ محرم ۱۴۴۴)

۱۶. شب تاسوعا (۱۴۰۱/۵/۱۵)

۱۷. ظهر روز عاشورا (۱۴۰۱/۵/۱۷)

۱۸. بزرگداشت شب سوم شام غریبان امام حسین (ع) در مسجد کوفه با پیام آسمانی حضرت زینب (س) (۱۴۰۱/۵/۲۰برابر با سیزدهم محرم ۱۴۴۴)

۱۹. کاروان اسرا در شام (۱۴۰۱/۶/۹)

۲۰. شعر سوغات کربلا (۱۴۰۱/۱۰/۲۱)در مقاله خدا را از نو باید شناخت (۱۳۹۶/۴/۴)

۲۱. آغاز ماه محرم (۱۴۰۲/۴/۲۸)

۲۲. سر ندارد حسین/سرور آب است حسین (۱۴۰۲/۵/۲)

۲۳. ایام سوگواری تاسوعا و عاشورا تسلیت باد (۱۴۰۲/۵/۵)

۲۴. روز دوازدهم ماه محرم مصادف با شب سوم شهدای کربلا (۱۴۰۲/۵/۹)

۲۵. محرم حرم است (۱۴۰۲/۵/۱۷)

۲۶. سجده بر خاک وطن ایران توسط زائرین پاکستانی عازم کربلا (۱۴۰۲/۶/۱)

۲۷. دیدن خواب مسیر طلائی اربعین (۱۴۰۲/۶/۹)

۲۸. تاسوعا و عاشورا بر سوگواران عالم بویژه اهالی غزه تسلیت باد (۱۴۰۳/۴/۲۵)

۲۹. اربعین یعنی به کاروان حسین نرسیدم اما به کاروان زینب خودم را رساندم (۱۴۰۳/۶/۳)